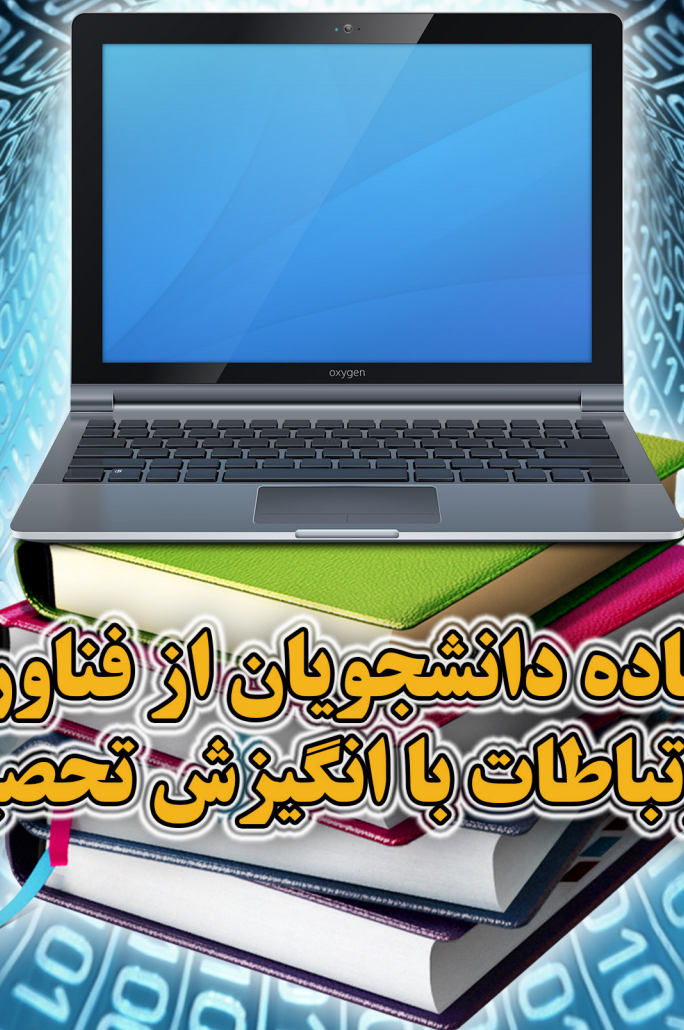




سال اول، شماره ششم (پیاپی)، پاییز ۱۳۹۵، ۳۲ صفحه



رابطه‌ی استفاده دانشجویان از فناوری اطلاعات و ارتباطات با انگیزش تحصیلی

زندگی کودکان با طعم رویای رنگی

گپ و گفتی با محمدعلی محمدیان

چگونه در زندگی‌مان یک برند موفق باشیم؟

گپ و گفتی با جمشید فرچوند فردا

آسیب‌شناسی معضل طلاق در گفت و گو با دکتر مسعود بیننده

تأثیر فرهنگ آموزش بر فرآیند تعلیم و تربیت در ایران و چند کشور توسعه‌یافته‌ی جهان

جرم ای از ولایت

یک موضوع هم درباره‌ی مسائل داخلی کشور موضوع این حقوق‌ها و برداشت‌های غیرمنصفانه و ظالمانه از بیت‌المال است که امروز در بین مردم رایج شده است، و خبرش را دهان به دهان نقل می‌کنند؛ این برداشت‌ها نامشروع است، این برداشت‌ها گناه است، این برداشت‌های خیانت به آرمان‌های انقلاب اسلامی است. در گذشته کوتاهی‌هایی شده است، غفلت‌هایی شده است بایستی جبران بشود، این جور نباشد که ما سروصدا بکنیم و بعد قضایا را تمام بکنیم و به کلی به دست فراموشی بسپاریم. باید دنبال شود. این مسئله را باید مسئولان دنبال کنند و با جدیت هم دنبال شود، دریافتی‌های نامشروع باید برگردانده شوند، و اگر کسانی هم بی‌قانونی کرده‌اند مجازات شوند، و اگر سوءاستفاده از قانون شده بایستی این‌ها را برکنار کنند؛ این‌ها کسانی نیستند که لیاقت این را داشته باشند که در این مراکز قرار بگیرند.

البته این را هم توجه داشته باشید، دشمنان نظام اسلام می‌خواهند از این قضیه متمسکی علیه نظام اسلامی درست کنند. این‌ها یک عده‌ای هستند که در قبال دیگران که با پاکی و صداقت دارند کار می‌کنند عده‌ی زیادی نیستند؛ اما همین کمشان هم مضر است؛ همین کمشان هم عیب است؛ این عیب را باید برطرف کرد. ما آسیب‌های ناشی از فقر را می‌دانیم و روی آنها برنامه‌ریزی می‌کنیم و درباره‌ی آنها جلسه می‌گذاریم. اما آسیب‌های ناشی از مستی اشرافی‌گری را شناخته‌ایم و وقتی اشرافی‌گری، اسراف و تجمل در جامعه وجود داشته باشد و ترویج بشود، این قضایا به دنبالش می‌آید، پیش می‌آید و به وجود می‌آید و همه دنبال این هستند که یک طعمه‌ای بدست بیاورند و خودشان را از آن سیر کنند، شکم‌ها را از این مال حرام پر کنند. با این پدیده بایستی با جدیت مقابله شود، عزل کردن و برکنار کردن و برگرداندن آنچه از بیت‌المال به صورت نامشروع خارج شده است، این را در دستور قرار بدهند. این وظیفه‌ی همه است. مردم نسبت به این مسئله اهمیت می‌دهند و اگر چنانچه این قضیه اتفاق نیفتد و دنبال‌گیری نشود، اعتماد مردم نسبت به نظام کاسته می‌شود؛ که این فاجعه‌ی بزرگی خواهد بود. بایستی با اقدام جدی، اعتماد مردم را حفظ کرد.

(مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، عید سعید فطر ۱۳۹۵، خطبه‌های نماز)

برداشت آزاد

- چه قد حقوق می‌گیری؟

- حدوداً یک، یک و پونصد.

- میرسی به زندگیت؟

- الحمدلله، می‌گذرونیم ... دارم ذخیره می‌کنم اندک اندک که بتونم در آینده از شرمندگی خانواده‌ام در بیایم، خدا بخواهد وقت بازنشستگی، صندوقی که طی این چند ساله‌ی خدمت ذخیره کردم بتونه دردی از دردهامو درمون کنه ...

و اما ...

کجا رفت آن همه اعتماد و دلخوشی و سرمایه‌ی زندگی؟؟؟

چرا اینقدر بی‌انصافانه و ظالمانه؟؟؟

اما، با تاکیدات رهبر با بصیرت و دغدغه‌مند، باید با جدیت تمام به دنبال بازپس گرفتن حق‌هایی بشوند، که بی‌انصافانه از جیب انسان‌هایی که ذره ذره زحمات چندین ساله‌ی خود را با امید و آرزوی وصف ناشدنی سپرده بودند، به کسانی که به اندازه‌ی چشم‌های خود به آنان اعتماد داشتند؛ ولی افسوس ... امید است که با توجه به حساسیت رهبر بزرگوارمان حق‌ها به حق‌داران برگردانند و عطر و بوی اخلاق نبوی بیش از پیش در کشور اسلامی‌مان طنین‌انداز بشود و اعتمادها باز هم از نو سر بگیرد.

*** زهره جمشیدی - دانشجوی علوم تربیتی**





صاحب امتیاز

کانون هنرهای دستی و تجسمی
پردیس شهیده بنت الهدی صدر سندج

مدیر مسئول

شراره صادقی

شورای سردبیر (به ترتیب حروف الفبا)

زهره جمشیدی، شراره صادقی،

نرگس مرادی

هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

زهره جمشیدی، منا شیخله، شراره صادقی،

زهره مرادبگلو، نرگس مرادی،

شهاب نصیری نیا، یگانه نصیری هانیس

ویراستار

نرگس مرادی، شراره صادقی

گرافیک و صفحه آرا

شهاب نصیری نیا



گپ و گفت با جمشید فرچوند فردا



رابطه فناوری اطلاعات با پیشرفت تحصیلی



تأثیر فرهنگ آموزش بر تعلیم و تربیت



میم مثل معلم



آسیب شناسی معضل طلاق

آدرس کانال تلگرامی نشریه راسپیر

@raspiermag

سخن مدیر مسئول

سخن شورای سردبیری

حلال معلم

انواع ارزشیابی

طنز = شب پلنگ

گزارش

عوامل و روش های تأثیرگذار
بر تربیت اسلامی

دوربین شما

زندگی کودکان
با طعم رویای رنگی

نقش و جایگاه آموزش و
پرورش در توسعه

سلامت و بهداشت

دانشنامه

آموزش زبان کردی

گفت و گویا
دکتر شعله ظهیری

چگونه در زندگی مان یک
پرونده موفق باشیم؟

کتابخانه راسپیر

پل های ارتباطی ما و شما

سامانه پیامکی:

۰۲۴۰۹۴۱۰۰۰۰

پست الکترونیک:

raspiermagazine@gmail.com

هرگونه کپی برداری و نقل از مطالب و عکسها
منوط به دریافت اجازه کتبی از راسپیر است.

مشاوران علمی این شماره: دکتر رشید احمدرش، ابراهیم کریم زاده، دکتر ابراهیم محمدپور، دکتر امید مرادی، نگین وکیلی.

با تشکر از: دکتر یحیی معروفی، حجت الاسلام و المسلمین قربانی، محمد سمیعی فر، محمد ابراهیم شریفیان، دکتر شعله ظهیری، دکتر مسعود بیننده، جمشید فرچوند فردا، محمدعلی محمدیان، شهناز هجرت، شهلا احمدی، نادیا خراسانزاد، جمال نوری و تمامی عزیزانی که ما را در این شماره از مجله یاری نمودند.

«یا ارحم الراحمین»

فرهنگ را در کودکی و نوجوانی در افراد نهادینه کرد تا در بزرگسالی ثمره‌ی آن فرهنگ را در جامعه دید. اما ما دست‌اندرکاران نشریه‌ی راسپیر بسیار خرسندیم که در شماره ششم نشریه بعد از کسب رتبه سوم کشوری در شماره اول در میان نشریات دانشجویی، بازهم برای اعتلای تعلیم و تربیت و حمایت از دانشجویانی که هرکدام در زمینه‌ای و به گونه‌ای حرفی برای گفتن دارند، قلم بزنیم. یقیناً همه کسانی که ما را در این عرصه یاری می‌دهند؛ به‌ویژه اعضای محترم هیئت تحریریه و مشاوران گرانقدر علمی نشریه، در نتایج مثبت آن سهم داشته و دارند. از همه مهمتر از مخاطبان راسپیر، همان انسان‌های شریف و فهیمی که مجله را دریافت می‌کنند؛ بر ما منت گذاشته‌اند و آن را مطالعه می‌کنند و به کار می‌بندند و نیز نشریه را با ارسال دست نوشته‌ها، گزارش‌ها، عکس‌ها و مقالات ارزنده‌ی خویش پربار می‌سازند، کمال تشکر را داریم. امید است با کمک شما خوانندگان گرانقدر، در این شماره و شماره‌های بعدی نیز شاهد پیشرفت بیشتر ابعاد کیفی و کمی باشیم و راسپیر همیشه در جهت مثبت گام بردارد.

**خدایا چنان کن سرانجام کار
تو خشنود باشی و ما رستگار**

*** شراره صادقی**
دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

هرکجا خشونت دیدیم سکوت نکنیم!

امروزه خشونت یک امر پنهان است؛ گه حد و مرز نمی‌شناسد؛ بزرگ و کوچک و پیر و جوان و زن و مرد هم ندارد. انواعی از خشونت مانند خشونت‌های جسمی، جنسی و حتی کلامی در جوامع مختلف دیده می‌شود.

خشونت مختص به جوامع عقب مانده نیست و در جوامع پیشرفته نیز دیده می‌شود. تعاریف مختلفی از خشونت و از افراد مختلف وجود دارد؛ اما تعریف از خشونت کاری از پیش نمی‌برد و به قول معروف «دو صد گفته چون نیم کردار نیست» و اینجاست که هرکدام از انسان‌ها باید در حد توان خود، در جامعه و فرهنگشان، برای جلوگیری از خشونت تلاش کنند، تا رفتارهایی عاری از هر نوع خشونت غیرمنطقی به صورت یک فرهنگ همگانی دربیاید؛ اما در روز دانشجو، روز تأثیرگذارترین قشر جامعه، ضمن تبریک و آرزوی توفیق روزافزون برای همه دانشجویان به ویژه دانشجومعلمان فرهنگ ساز جامعه، انتظار می‌رود که برای پیشرفت و توسعه‌ی فرهنگ و جامعه‌ی ایرانی تلاش کنیم؛ از طرف دیگر همه ما می‌دانیم که ریشه‌ی بسیاری از رفتارهای بزرگسالی در دوران کودکی و نوجوانی است؛ و اینجاست که نقش من و شما دانشجومعلم و همه معلمان سرزمینمان بسیار مهم می‌شود؛ چرا که برای ایجاد یک فرهنگ در جامعه باید آن



به نام خداوند لوح و قلم / حقیقت نگار و وجود و عدم

راه‌های ارتباطی نشریه‌ی راسپیر، ما را از انتقادات و پیشنهادات خود بهره‌مند کنید. گروه نشریه‌ی راسپیر برای دسترسی آسان و سریع شما مخاطبان عزیز سایتی به آدرس www.raspiermag.ir طراحی نموده که آدرس سایت نیز بر روی سایت دانشگاه فرهنگیان پردیس بنت الهدی صدر سنندج درج گردیده است.

در نهایت سپاس فراوان از گروه راسپیر و تمام افرادی که ما را در این زمینه یاری نمودند داریم.

**به پایان آمد این دفتر
حکایت همچنان باقیست**

* نرگس مرادی

دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

یا نشانگان نقص ایمنی اکتسابی است که امروزه در کشورهای در حال توسعه رو به افزایش است و به نظر می‌رسد، به رغم بالا رفتن آگاهی عمومی از شیوه‌ی ابتلا و پیشگیری، همچنان طیف‌های مختلفی از جامعه درباره‌ی آن ناآگاه هستند. در روز جهانی ایدز فرصتی فراهم شده تا دوباره انسان عصر نوین به یکی از مهم‌ترین چالش‌های تهدید کننده‌ی بهداشت و سلامت جهانی فکر کند. همچنین پدیده‌ی طلاق که یک معضل اجتماعی ناشی از تغییرات فرهنگی و اجتماعی است خانواده‌ها را به نابودی کشانده و آسیب‌های اجتماعی فراوانی به همراه دارد.

نشریه‌ی حاصل بی‌شک فارغ از نقص و کاستی نیست، قطعاً شما دوستان گرامی می‌توانید از طریق

با حمد و ستایش یزدان بی‌همتا که موهبت ارزشمند اندیشه و اندیشیدن را به انسان ارزانی داشت. پژوهش و اندیشه در حوزه‌ی دانش، فرهنگ و هنر امری است بس مهم و قابل توجه؛ چرا که مخاطبان توجه ویژه‌ای به رسانه‌ها دارند و آن را نوعی الگو برای خود می‌دانند و بخشی از رشد فکری و علمی آنان را عهده‌دار هستند. در نتیجه کاملاً از رسانه اثر می‌پذیرند.

سپاس خدای را که گروه راسپیر پیام‌رسان در پاییز ۹۵ شماره‌ی ششم نشریه را آماده و در جهت اهداف متعالی خود قدمی والاتر نهاده اند. در این شماره از نشریه به بررسی معضل‌های اجتماعی بیماری ایدز و پدیده‌ی طلاق پرداخته شده است. اول دسامبر هر سال، یادآور بیماری مهلک ایدز

گپ و گفتی با هنرمند پیجاری، استاد گرانقدر جمشید فرجوند فردا

دوربین هایم را سلاح و خود را سربازی برای خلق می دانم ...!



اشاره: جمشید فرجوند فردا، عکاس نام آوازه ی پیجاری،

عکاس برتر جهان اسلام، هنرمند ستایش شده سازمان ملل متحد، آکادمی هنر لندن و دارای عناوین برتر جشنواره های «جوانان ایرانی بین المللی عکس رضوی، بین المللی طنز تهران، ملی مشهد، سرباز، جشنواره ی بین المللی نور» است؛ وی همچنین دارای مدال طلای جشنواره ی عکس ایران شناسی و نشان سیمین جشنواره ی عکس حوزه است.

در مسابقات سراسری عکس بوی عید، سفره های افطار، زنان و زندگی شهری، نهضت سوادآموزی، شوق نیاز، فوتکس، چلچراغ، قاب های بهشتی، بیرق سرخ، سرخ واژه ی حسین، من زندگی را دوست دارم، هنر کارآفرینی، عشق و حماسه، کوشا، بین المللی روژان، بین المللی قرآن کریم و بیش از یکصد و هفتاد و پنج اثر دیگر دارای نشان نخست است. ایشان از شورای ارزشیابی هنرمندان کشور نشان درجه ی دو هنری (معادل کارشناسی ارشد) را دریافت کرده اند.

تهیه و تنظیم:

زهره جمشیدی - دانشجوی علوم تربیتی

توجه به ثبت میلیاردها عکس در روز، هنوز هم از اشتیاق بشر به دیدن و ثبت میلیاردها عکس در روز کم نشده و نمی شود.

«به نظر شما وظیفه ی یک هنرمند، بالأخص یک عکاس در جامعه چه می تواند باشد؟ و چگونه می تواند به جامعه کمک کند؟»

عکاسان چشمان واقعی جامعه هستند و خواهند بود، چشمانی که همیشه بر روی حقیقت باز بوده و خواهد بود. بودن در دور دست ترین مکان های دنیا، در نامساعدترین شرایط هم نمی تواند یک عکاس آگاه و دلسوز را از کارش و هدفش که همانا جهانی پر از صلح و آرامش است دور کند. می شود با عکس های این صلح و آرامش را به جامعه ها تزریق کنی. اگر خوب ببینی، خوب بیندیشی و دغدغه ها مردمی باشند که محتاج و مستحق بهترین ها هستند، من از منطقه ی خود می توانم شروع کنم و دیگران هم همین طور و این گونه می شود جامعه ای ایده آل ساخت؛ من کرد هستم و ریشم اینجاست، تمام سعی خودم را خواهم کرد و با دوربینم، به دفاع از ملت در برابر هرگونه ظلم و بیداد خواهم پرداخت، و سعی می کنم زیبایی هایش را به دنیا معرفی کنم.

«با توجه به اینکه فرایند یادگیری بیشتر از طریق بینایی صورت می گیرد، به نظر شما چگونه می توان از عکس در زمینه ی آموزشی و پرورشی استفاده کرد؟»

امروزه تصویر نقش بسیار مهمی در آموزش دارد، شاید به راحتی و با نشان دادن یک عکس بتوان مطلبی را که قرار است دقیقی و حتی ساعت ها درباره اش به بحث پرداخت را به مخاطب انتقال داد. کودکان اگر با مقوله ی تصویر به درستی آشنا شوند، حکم همان چشمان بیدار و جستجوگر را خواهند داشت، باور کنید بیشترین سهم داشتن ایمان هم از

مشوقین اصلی من بودند، آن ها هیچ وقت با رفتن من به سمت کار هنری مخالفتی نکردند، هر چند توان مالی آن ها در حدی نبود که من به دست مربی و معلم هنری سپرده شوم.

«عکاسی شغل اصلی شماست؟ یا در کنار مشغلتان مشغول به این حرفه هستید؟»

عکاسی شغل اصلی من نیست، عشق اصلی من است. بدون آن شاید زیستن دشوار باشد؛ احساس گفتن آن دقیقاً مثل کشیدن نفس است؛ که هیچ گاه آن را آگاهانه انجام نمی دهیم اما اگر لحظه ای نفس نکشیم دچار مشکل می شویم، اما این نا آگاهی، آگاهانه مرا شیفته ی خود کرده است. هم شغل اصلی من است هم عشق اصلی من که در هم آمیخته شده اند؛ هر چند شاید هیچ گاه به قصد کاسبی به عکاسی نگاه نکرده ام، به نقاشی و خوشنویسی این نگاه را داشته و دارم، یعنی می شود با آنها امورات زندگی را تا حدودی بگذرانم؛ اما نگاهم به عکس و عکاسی هیچ گاه این گونه نخواهد بود.

«از عکاسی برایمان بگویید، تعریف شما از عکاسی چیست؟»

عکاسی با توجه به عمر بسیار کمی که نسبت به سایر هنرها دارد، می توان در مقایسه با نقاشی، خوشنویسی و مجسمه سازی کودکی خردسال نامید، اما امروز به رسانه ای پر قدرت تبدیل شده و دنیای بدون تصویر برای هیچ کس دنیای مقبولی نیست، تعریف عکاسی در ابتدا به شکار لحظه ها و سپس به تعبیر و تفسیر لحظه ها معنی و ترسیم شده اما به نظر من عکاسی یک شعر است، شعری که با دوربین سروده می شود. یک عکاس توانا با یک جهان بینی خاص، می تواند با یک عکس، دنیا را تغییر دهد، عکس محتاج هیچ مترجمی نیست؛ همه از هر نوع قوم و ملیتی و با هر نوع نگرشی آن را می بینند و ارتباط برقرار می کنند و شاید بزرگترین حسن عکاسی همین باشد، جالب است بدانید که با

«برایمان بگویید از چند سالگی و چطور وارد هنر شدید؟»

همه چیز از دوران راهنمایی و با تنبیه شدید معلم زبان خارجه ام که بسیار سختگیر بود شروع شد. اگر دانش آموزی نمی توانست درسش را درست جواب بدهد، او را مجبور می کرد با قلم درشت همان جمله و کلمه را بنویسد، من هم از این قاعده مستثنی نبودم؛ شب مشق ها را نوشتم و وقتی صبح و در سر کلاس مشق هایم را دید، گوشم را گرفت و از کلاس بیرونم انداخت و به مبصر گفت من را به دفتر ببر، مدیر مدرسه هم با معلم زبان هم عقیده بود. آنها می گفتند خط خودم نیست، هم شاگرد تنبلی هستم، هم دروغگو. آقای طهماسبی همسایه ی ما و معلم همان مدرسه واسطه شد و از من پرسید آیا می توانم دوباره و همان جا بنویسم؟ نوشتم و با دیدن خطم به اشتباهان پی بردند و من هم با این اتفاق دو سال پیاپی نفر اول پیجار شدم. آن موقع نفرات برتر را به رامسر می بردند، اتفاقی که سرنوشتم را عوض کرد.

«اولین مشوقان شما چه کسانی بودند؟ آیا با مخالفت خانواده روبه رو نشدید؟»

با توجه به خانواده ای که پدر کارگر و مادر خانه دار، بزرگان آن بودند و من هم فرزند بزرگ خانواده، می شود گفت که گل های قالی بافته شده به دست مادرم، رویاهای زندگی ام شدند و همان گل و بوته های قالی آتش اشتیاقم را شعله ور کرد، طراحی از روی نقشه قالی و حتی قالی بافته شده، مرا به وادی هنر کشاند. روزها و شب ها کارم طراحی بود، بی هدف، بدون مربی. اما همه ی این عوامل باعث شد که بتوان ساعت های فراغت را به طور کامل با آن پر کرد و تا رسیدن به دانشگاه و آن هم با رتبه ی تک رقمی در کنکور سال ۶۷ و در معتبرترین دانشگاه ایران قبول شوم. نقاشی اولین و آخرین انتخابم شد؛ وارد دانشگاه شدم، پدر و مادرم

عکاسان چشمان واقعی جامعه هستند و خواهند بود، چشمانی که همیشه بر روی حقیقت باز بوده و خواهد بود.

«از عکس آرامش برایمان بگویید؟»

آرامش عنوان مجموعه عکسی بود که به پرندهاگان مهاجر اختصاص داشت و من دو سال تمام روی آن متمرکز شده و کار کردم. دیواندره، قروه، بیجار و اکثر روستاها را به دنبال آنها می‌رفتم و این سوال ذهنم را درگیر کرده بود که چگونه این پرندهاگان زمستان را هم در این منطقه‌ی سرد و سوزان سپری می‌کنند؛ پروژه‌ی بسیار موفقی بود چند جایزه‌ی داخلی و جایزه‌ی سازمان ملل متحد را برد.

«هر کدام از این واژه‌ها چه چیزی را برای شما تداعی می‌کند؟»

هنر: نزد ایرانیان است و بس.

لنز دوربین: چشم سوم عکاس.

آلبوم عکس: یاد باد آن روزگاران یاد باد.

عکس دیجیتال: مغزها را از کار انداخته.

جوانی: شمع ره.

معلم: پلی برای از خود گذشتن.

توصیه‌ی شما به یک جوان که می‌خواهد عکاسی را دنبال کند چیست؟

در سوالات قبلی طوری مطرح شد که جوانان ابتدا باید شاگردی کنند، داشتن ابزار لازم است؛ اما مطالعه و سواد بصری و کار و کار بسیار لازم و واجب‌تر است. توصیه می‌شود به عنوان یک برادر به حرفم گوش بدهند و مغرور نشوند و تا می‌توانند خود را شاگرد بدانند؛ دیدن عکس آثار عکاسان مطرح، خواندن شعر شاعران، خواندن داستان و رمان و ... همه و همه می‌تواند در کنار یک استاد خوب آنها را به هدفشان زودتر و دست پر برساند.

«اگر به عقب برگردید باز هم هنر را انتخاب می‌کنید؟ چرا؟»

هیچ‌گاه از انتخابم پشیمان نشده‌ام، گاهی دلم از دست مسئولیتی که می‌تواند به هنرمندان کمک کنند گرفته است اما بی‌توجه هستند، درک این مسئله شاید دشوار باشد، اما از مسئولیتی که تخصص آنها این است، انتظار طور دیگری است. باید جوانان هنرمند را درک کنند تا خدایی نکرده از هنر بیزار نشوند و عطایش را به لقایش ببخشند. دو کتاب آماده‌ی چاپ دارم که اگر حامی مالی پیدا شود آنها را به عنوان یادگاری سال‌های خوب عکاسی به چاپ خواهم رساند.

«و به عنوان کلام آخر؟»

بزرگ‌ترین آفت هنر، غرور است. در هیچ مقامی و جایگاهی مغرور نشوید و همیشه خود را شاگرد بدانید. برای شما و سایر زحمت‌کشان عرصه‌ی فرهنگ و هنر آرزوی فردای بهتر دارم.

منطقه و این مردمان نجیب کنم که به حقشان نرسیده‌اند؛ این بزرگ‌ترین انگیزه‌ی من است، آیا به هدفم خواهم رسید؟ عکاسی می‌تواند کمک کند؟ جوابش را از باید آیندگان پرسید!

«چگونه سوژه‌های عکاسی را انتخاب می‌کنید؟ آیا طرح و ایده‌ی آن سوژه از قبل در ذهن شما تداعی می‌شود، یا فی‌البداهه با توجه به موقعیت آن را شکار می‌کنید؟»

شاید برایتان باورش کمی دشوار باشد اما سوژه‌ها مرا پیدا می‌کنند، البته این اتفاق به‌مرور زمان افتاده است. من عکاس شهری نیستم؛ یعنی عکس فضاهای شهری کم‌ترین سهم را در عکس‌هایم دارند، روستاهای محروم و دور دست و مردمان نجیب ساکن آن، چه در بیجار و چه در بانه و سقز و دیواندره، مرا مثل فرزند خود می‌پذیرند، به محفل خصوصی خود راه می‌دهند و خوراکیان را با من تقسیم می‌کنند. آیا می‌توانم فرزند خوبی برایشان باشم؟!

«با توجه به افتخارات فراوان شما در سطح ملی و بین‌المللی، اثر یا عکسی که برای خودتان خاص بوده و بیشتر با آن ارتباط برقرار می‌کنید کدام یک از آثار شما بوده است؟»

همیشه و بعد از تولید هر اثر آن را به بایگانی ذهنم سپرده و فراموش می‌شود و خود را درگیر آن نمی‌کنم، تا جایی که جهت مانور برای کار

طریق چشمانمان به یقین تبدیل می‌شود و حتی بعضی از افراد چیزهایی را که نمی‌بینند باور نمی‌کنند.

«هنر عکاسی در استان کردستان در چه سطحی است و آیا قابلیت پیشرفت را دارد؟»

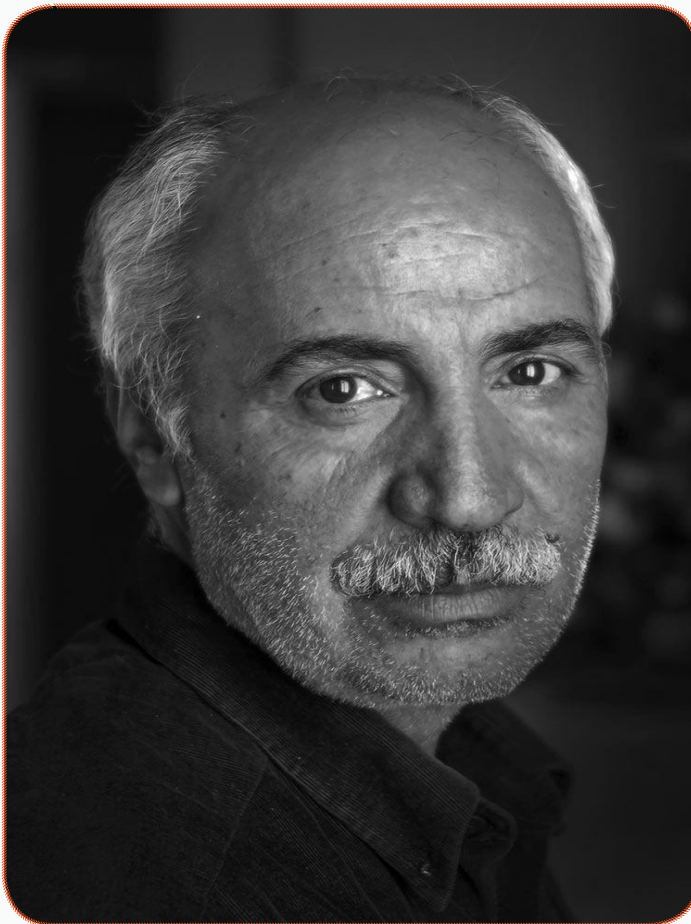
در استان خودمان به نسبت جمعیت ساکن، صاحب هنرمندان بسیار پرآوازه‌ای بوده و هستیم و هنر در دست کردها اسیر است؛ اما به همان اندازه که استعداد هست، از آموزش درست و مناسب بی‌بهره هستیم؛ مثلاً در شهر خودم بیجار، هیچ‌گونه آموزشگاه هنری نداشته و نداریم. پس بسیاری از استعدادهایمان هدر می‌روند. اما ماجرای عکاسی به گونه‌ای است که به نسبت سایر رشته‌ها طرفداران بیشتری دارد؛ اما عکاس شدن بسیار سخت است؛ باید سال‌ها شاگردی کرد، استخوان خرد کرد؛ مهارت و تمرین و ... اما همه داشتن دوربین را شرط عکاس بودن می‌دانند یعنی هر کس دوربین دارد او را عکاس می‌دانند درحالی که در دیگر هنرها این‌گونه نیست یعنی تو با داشتن قلم درشت خطاط نمی‌شوی و با خریدن رنگ و قلم‌مو نقاش نمی‌شوی؛ باید کلاس بروی و شاگردی کنی.

«به جز عکاسی، شما هنرهای دیگری هم دارید (نقاشی، خوشنویسی، کاریکاتور و ...) اما بیشتر وقتتان را به عکاسی اختصاص دادید، علت چیست؟»

من با خوشنویسی آغاز کرده‌ام، شاگردی استاد فریدونی و استاد کلامی و سپس نقاشی با شاگردی آقایان نادرزاده و اصلانی، مدرک کارشناسی و خوشنویسی را تا سطح عالی ادامه داده‌ام. کاریکاتوریست و ساخت و تصویربرداری فیلم‌کوتاه، دارای عنوان ملی در زمینه‌ی فیلم‌کوتاه و عضو انجمن کاریکاتوریست‌ها و خوشنویسان ایران هستم، اما قطعات پازل زندگی من با هیچ‌کدام از این‌ها جفت‌وجور نشد؛ آنچه را که من می‌خواستم بقیه‌ی هنرها فاقد آن بودند؛ به سمت عکاسی سوق داده شده و دیگر هرگز از آن جدا نشده و نمی‌شوم. سی سال است که من از دوربین‌هایم جدا نشده‌ام، آنها را اسلحه و خودم را سربازی برای خلق می‌دانم. با عکاسی بیشتر و راحت‌تر با مخاطبانم ارتباط برقرار کرده و با آن می‌توانم حرف‌های نگفته‌ام را طوری بگویم که همه آن را ببینند و فارغ از ترجمه، آن را قبول یا رد کنند.

«چه عاملی در طول این سال‌ها برای شما انگیزه‌بخش بوده است؟»

رنج‌ها و ظلم‌هایی که بر ملت‌مان رفته و می‌رود، باید به‌گونه‌ای کار کنم که همه را متوجه این



بعدی انجام نشده که مطمئن هستم بهتر از کار قبلی خواهد بود آماده باشم، پس کاری را که فردا انجام خواهم داد بهتر از کار امروز من است و به همین ترتیب.

کودکان
اگر با
مقوله‌ی
تصویر
به‌درستی
آشنا شوند،
حکم همان
چشمان
بیدار و
جستجوگر
را خواهند
داشت.

قطعات پازل
زندگی من
با هیچ‌کدام
از هنرها
جفت‌وجور
نشد؛ آنچه
را که من
می‌خواستم
بقیه‌ی هنرها
فاقد آن بودند؛
به سمت
عکاسی سوق
داده شده و
دیگر هرگز از
آن جدا نشده
و نمی‌شوم.

وابستگی استفاده دانشجویان از فناوری اطلاعات و ارتباطات با انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی؛ با تأکید بر نقش آموزش

شهاب نصیری نیا - دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی *** بشیر حسین زاده - دانشجوی کارشناسی تربیت بدنی
شراره صادقی - دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی *** نرگس مرادی - دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

مقدمه

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای توسعه فناوری اطلاعات، تحول در زمینه آموزش و پرورش است. پدیده‌های نوظهور الکترونیکی زندگی بشر را به‌طور کلی دگرگون کرده است. با گسترش شبکه‌های رایانه‌ای و مواد چندرسانه‌ای که می‌توانند ترکیبی از متن، تصویر و صوت باشد، آموزش بُعد تازه‌ای خواهد یافت و ما شاهد مدارس و دانشگاه‌های مجازی خواهیم بود. بی‌شک حضور فناوری اطلاعات در تعلیم و تربیت باعث استقرار برنامه و سازوکاری‌هایی می‌شود که نظام آموزشی را در استفاده از فناوری اطلاعات یاری می‌دهد. روش‌های سنتی و قدیمی آموزش و یادگیری، با ظهور فناوری‌ها و روش‌های نوین، کارایی خود را از دست داده‌اند. در جامعه‌ای که هدف آن پیشرفت بر اساس دانش و فناوری است، باید ابتدا آموزش و پرورش خود را متحول کند. برای این کار باید فناوری آموزشی، یعنی طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌ریزی شده پژوهش‌های بنیادی و کاربردی را به کار گیرد.

فناوری اطلاعات

فناوری اطلاعات به فناوری‌هایی اطلاق می‌شود که امکانات لازم برای جمع‌آوری، انباشت، پردازش و توزیع اطلاعات فراهم می‌کند. محور این فناوری، رایانه و ارتباطات راه دور است. رایانه‌ها اساساً کارپردازش و انباشت اطلاعات را انجام می‌دهند و ارتباطات راه دور، امکان پخش و توزیع این اطلاعات را در سطحی بسیار وسیع فراهم می‌سازد. فناوری اطلاعات یا IT به فناوری‌هایی اطلاق می‌شود که امکانات لازم برای جمع‌آوری، انباشت پردازش و توزیع اطلاعات فراهم می‌کند. محور این فن‌آوری، رایانه و ارتباطات راه دور است. رایانه‌ها اساساً کارپردازش و انباشت اطلاعات را انجام می‌دهند و ارتباطات راه دور، امکان پخش و توزیع این اطلاعات را در سطحی بسیار وسیع فراهم می‌سازد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات

فرهنگ و بستر تکنولوژی را «تحوه انجام کار با استفاده از فناوری» تعریف کرده است. فناوری اطلاعات مجموعه ابزارها، ماشین‌ها، دانش فنی، روش‌ها و مهارت‌های استفاده از آن‌ها برای تولید، دادوستد، پردازش، انباشت، بازیافت، جابه‌جایی، انتقال و مصرف اطلاعات، از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین و از ابتدایی‌ترین تا پیشرفته‌ترین مراحل اطلاعاتی است. با این تعریف تمامی سخت‌افزارها مانند رایانه و لوازم جانبی آن و همچنین ابزارهای ارتباطی دوربرد، شبکه‌های اطلاع‌رسانی اینترنت و نیز بسیاری از نرم‌افزارهای دیگر که برای ذخیره، پردازش، آماده‌سازی، بازیابی و مصرف اطلاعات به کار می‌روند. در این حوزه قرار می‌گیرند.

سودمندی‌های فناوری اطلاعات

عطاران (۱۳۸۱) برای توانایی‌های فناوری‌های آموزشی موارد زیر را نام می‌برد:

- * انفرادی کردن آموزش
- * بهبود کیفیت تدریس
- * مقابله با مشکلات آموزش جمعی
- * ایجاد فرصت‌های برابر آموزشی
- * فراهم ساختن آموزش مستمر
- * تقویت نقش معلم
- * تأکید بر جنبه‌های انسانی آموزش.

تأثیر فناوری بر آموزش و پرورش

وظیفه عمده نظام آموزشی، باسواد کردن، تربیت و پروراندن همه‌جانبه فراگیران آن نظام برای ایفای نقش مناسب خود در جامعه است. سواد را در ساده‌ترین شکل به معنای توانایی خواندن و نوشتن و در وجه گسترده‌تر به معنای درک و فهم در نظر می‌گیرند. اما پدید آمدن تحولات جدید در عرصه فناوری اطلاعات و میزان تأثیرپذیری جوامع از آن، بار معنایی سنگین‌تری را بر این واژه وضع کرده است که بیشتر از آن به سواد اطلاعاتی یاد می‌شود. به این ترتیب نه تنها «استعداد شناسایی اطلاعات» بلکه «توانمندی ارزیابی و استفاده مؤثر از

آن» در مقوله سواد اطلاعاتی می‌گنجد.

ضرورت استفاده از فناوری‌های اطلاعات در نظام آموزشی:

- * بسترسازی مناسب برای ورود فناوری اطلاعات در نظام آموزشی مدارس
- * توسعه در نقش آموزشی معلمان در عصر ارتباطات
- * ارتقاء سطح سواد اطلاعاتی دانش‌آموزان
- * فناوری، زمینه‌ساز تحقیق و پژوهش در بین دانش‌آموزان.

جایگاه ایران در استفاده از تکنولوژی در رده‌بندی‌های جهانی

به‌طور کلی، تحلیل انجام شده بر اساس شاخص‌های بین‌المللی (۲۰۰۵-۱۹۹۷) نشان می‌دهد که ایران در بیشتر شاخص‌های جهانی جایگاه نامناسبی دارد و در سال‌های اخیر، در این رابطه روند رو به رشدی نیز نداشته است. ایران در میان هشت کشور (ایران، عربستان، ترکیه، امارات، قزاقستان، قطر، مصر) بررسی شده و در چهار مورد از شش شاخص تخصصی فناوری اطلاعات و ارتباطات در پایین‌ترین سطح قرار می‌گیرد.



یکی از مشکلات موجود در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات عدم وجود ارتباطات دقیق، به‌روز و واقعی از وضعیت شاخص‌ها و نشانگرهای توسعه و به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور است. در اثر وجود این مشکل برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران امکان دستیابی به درک درست و دقیقی از وضعیت موجود و اثرات اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها را نخواهد داشت. همچنین نهادها و سازمان‌ها و دیده‌بان‌های بین‌المللی نیز قادر به ارائه جایگاه واقعی ایران در رده‌بندی‌های جهانی نخواهد بود. برای حل این مشکل ضروری است که هرچه سریع‌تر برنامه‌ها و پروژه‌هایی برای تحقیق نظام آماری فناوری اطلاعات کشور تدوین و اجرا شود. چنین نظامی باید بتواند با ایجاد امکان ارائه اطلاعات و آمارهای دقیق، بروز، واقعی و قابل دفاع از وضعیت توسعه ایران در محورهای مختلف امکان مشخص شدن هرچه صحیح‌تر جایگاه ایران در ارزیابی‌های معتبر بین‌المللی را فراهم نماید.

آموزش از راه دور در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات

«فناوری اطلاعات در دنیای امروز، سهمی بسزا در گسترش آموزش از راه دور دارد، چرا که یادگیری مادام‌العمر را به واقعیت تبدیل می‌کند» این جمله در آمریکای شمالی به عنوان پوستری نصب شده بود. افراد با استفاده از ابزارهای الکترونیکی می‌توانند بدون اینکه مانعی از لحاظ زمانی و مکانی و اجتماعی وجود داشته باشد، مطالب نظری را به طور مجازی در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها یاد بگیرند.

در حقیقت مراکز آموزش از راه دور به فضاهای آموزشی گفته می‌شود که برای ارائه آموزش‌های از راه دور از مؤسسه مجوز فعالیت دریافت می‌کنند. آموزش مجازی (الکترونیکی) نیز یک شکل نسبتاً تازه‌ای از راه آموزش از راه دور است که در حال حاضر در تحقیقات یادگیری از راه دور تلفیق گشته و به سرعت نوع مسلط ارائه یادگیری از راه دور در دنیا شده است. از این‌رو برای بهبود و پیشرفت این آموزش‌ها، حل مسائل و پیشنهادهایی به منظور بهینه‌سازی آن امری ضروری به نظر می‌رسد.

جدول ۱- آمارهای توصیفی متغیرهای پژوهش

تعداد نمونه	کامپیوتر	نرم افزار	اینترنت	انگیزش تحصیلی	پیشرفت تحصیلی
۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰	۱۵۰
۲۲/۶۵	۱۴/۱۲	۱۶/۴۲	۶۰/۱۴	۱۶/۴۶	۱۶/۴۶
۱/۲۳	۳/۴۷	۱/۰۲	۰/۹۸	۱/۹۲	۱/۹۲

همان گونه که مشاهده می‌شود در این جدول، آمارهای توصیفی شامل تعداد نمونه، میانگین و انحراف استاندارد برای هر کدام از متغیرهای پژوهشی، شامل میزان استفاده از فناوری (کامپیوتر، نرم افزار و اینترنت)، انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی ارائه گردیده است.

جدول ۲- ضریب همبستگی پیرسون بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و انگیزش تحصیلی

انگیزش تحصیلی	کامپیوتر	نرم افزار	اینترنت
۰/۳۶۸**	۰/۲۸۱*	۰/۳۹۳**	

$$*P<0.05, **P<0.01$$

برای بررسی رابطه بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و انگیزش تحصیلی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج حاصل از بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش حاضر در جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که همه روابط معنادار هستند. منتها رابطه بین میزان استفاده از کامپیوتر و اینترنت با انگیزش تحصیلی، در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. رابطه بین میزان استفاده از نرم افزار با انگیزش تحصیلی، در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

جدول ۳- ضریب همبستگی پیرسون بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و پیشرفت تحصیلی

پیشرفت تحصیلی	کامپیوتر	نرم افزار	اینترنت
۰/۳۱۲**	۰/۲۳۱*	۰/۳۵۴**	

$$*P<0.05, **P<0.01$$

برای بررسی رابطه بین میزان استفاده از فناوری اطلاعات و پیشرفت تحصیلی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج حاصل از بررسی روابط بین متغیرهای پژوهش حاضر در جدول شماره (۳) نشان می‌دهد که همه روابط معنادار هستند. منتها رابطه بین میزان استفاده از کامپیوتر و اینترنت با پیشرفت تحصیلی دانشجویان، در سطح ۰/۰۱ معنادار می‌باشد. رابطه بین میزان استفاده از نرم افزار با پیشرفت تحصیلی دانشجویان، در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

پیرسون ۰/۳۶۸+ معنادار است و رابطه بین رایانه با پیشرفت تحصیلی، ضریب پیرسون ۰/۳۱۲+ معنادار است، که با یافته های آدیمو (۲۰۱۰)، بن یوسف و دهمنی (۲۰۰۸)، پورخلیل و همکاران (۱۳۸۹)، اخوان و دوست محمدی (۱۳۸۹) همسویی دارد. درباره لزوم به کارگیری فناوری در دانشگاه ها، جای تردید نیست. تقریباً تمام محققان، در زمینه فراهم کردن امکان دسترسی و آسان دانشجویان به فناوری های جدید در کلاس های درس توافق نظر دارند.

برای تبیین این همبستگی ها می توان به محورهای عمده کاربرد فناوری اطلاعات را در نظام آموزشی، اشاره کرد:

- ارتقاء و افزایش توانایی اساتید در به کارگیری فناوری اطلاعات؛
- تجهیز دانشگاه ها با امکانات و ابزارهای مورد نیاز برای گسترش فناوری اطلاعات؛

- بهره گیری از فناوری اطلاعات برای تغییر ساختار آموزش؛
- استفاده از فناوری اطلاعات برای ایجاد فرصت های یادگیری و تحصیل برای همه افراد؛

- توسعه منابع انسانی متخصص مورد نیاز جامعه در زمینه فناوری اطلاعات؛

- استفاده از فناوری اطلاعات به منظور ارتقای کیفیت آموزش و بهبود روش های تدریس.

آموزش و پرورش با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در حال تغییر است. تغییرات و تحولات همه جانبه ای که در محیط اطلاعاتی، به ویژه در دسترسی راه دور به اطلاعات و کاهش مراجعه حضوری دانشجویان و دانش آموزان به دانشگاه محل تحصیل، به وقوع پیوسته، انواع مراکز آموزشی را تحت تاثیر قرار داده است. با بررسی تحولات فناوری در مراکز آموزشی به این نتیجه می رسیم که در این محیط ها:

- دانشجویان به استفاده بیشتر از فناوری های اطلاعات و ارتباطات و اطلاعات دیجیتال گرایش دارند.

- افرادی که مایل پیشرفت در عصر فناوری اطلاعات باشند فقط به کاوش و یافتن اطلاعات بسنده نمی کنند بلکه ضمن کاوش و بهره گیری از فناوری های نوظهور هر روز بر دامنه و عمق یافته ها و پژوهش های خود در راستای اعتلای فرهنگ و جامعه خویش برمی آیند.

منابع و متن اصلی مقاله به دلیل کثرت در نشریه قرار نگرفته است و در آرشیو نشریه موجود است.



بحث و نتیجه گیری

استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (فاوا) در حال تبدیل شدن به بخشی جدایی ناپذیر از آموزش و پرورش در بسیاری از نقاط جهان است. در این پژوهش، رابطه بین میزان استفاده دانشجویان از فناوری اطلاعات و ارتباطات با انگیزش تحصیلی و پیشرفت تحصیلی با تأکید بر نقش آموزش بررسی شد. همانگونه که نتایج نشان داد، ضریب پیرسون بین متغیرهای مورد بررسی، مثبت و معنادار بودند که نشان دهنده این واقعیت است که هرچه میزان استفاده از فناوری اطلاعات بیشتر باشد، میزان انگیزش تحصیلی بیشتر خواهد بود و این امر به نوبه خود در پیشرفت تحصیلی تاثیر مثبت خواهد داشت. در بررسی دقیق تر رابطه بین این ۳ متغیر، می بینیم که:

الف) رابطه بین میزان استفاده از اینترنت با انگیزش تحصیلی نشان می دهد که میان این دو متغیر، ضریب پیرسون ۰/۳۹۳+ معنادار وجود دارد. بین میزان استفاده از اینترنت با پیشرفت تحصیلی نیز ضریب همبستگی ۰/۳۵۴+ معنادار است. این یافته با یافته های رجایی (۱۳۸۲)، قاسمی (۱۳۸۳) و پورخلیل و همکاران (۱۳۸۹) همسو است.

ب) رابطه بین میزان استفاده از نرم افزار با انگیزش تحصیلی، ضریب پیرسون ۰/۲۸۱+ معنادار است و رابطه بین نرم افزار با پیشرفت تحصیلی، ضریب پیرسون ۰/۲۳۱+ معنادار است که این یافته ها نیز با یافته های حیدری (۱۳۸۹) و پورخلیل و همکاران (۱۳۸۹) همسویی نشان می دهد. ج) رابطه بین میزان استفاده از رایانه با انگیزش تحصیلی، ضریب

تأثیر فرهنگ آموزش بر فرآیند تعلیم و تربیه



* ابراهیم کریم زاده
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی

و دانش‌آموز فراری وجود نداشته باشد. برای رسیدن به این ایده‌آل باید نگاه مدارس را به گونه‌ای عوض کنیم که هر مدرسه در اندیشه‌ی ابراز وجود باشد. سیستم آموزشی یعنی سیستمی که دانش‌آموزان با سپری کردن دوران کودکی و نوجوانی خود در آن، شخصیت و فردیت خود را شکل داده و شکوفا می‌سازند. از این رو مدرسه باید برای دانش‌آموزان مکانی مفرح باشد. مکانی که بتوانند آزادانه در آن رشد کنند پس لازم است در مدارس فقط به کلاس‌های درس اهمیت داده نشود زیرا: مدرسه مکانی است، که زندگی دانش‌آموزان در آن سپری می‌شود. مکانی است، که دانش‌آموزان در کنار معلمان و دوستانشان امور مختلف را یاد گرفته و می‌توانند شادی ناشی از ابراز وجود و اهمیت داشتن به عنوان یک فرد از جامعه را احساس کنند.



در ژاپن به توسعه‌ی دروس بسیار توجه می‌شود؛ و درس‌ها به عنوان تجربه‌های کامل؛ برنامه‌ریزی می‌شوند و بین دروس انسجام و هماهنگی خاصی وجود دارد. استاد شیگه ماتسو هم در خصوص کلاس خوب چنین می‌گوید: «کلاس خوب کلاسی است که در آن ایده‌ها و طرز فکریایی فراتر از تصور مطرح شود؛ همه‌ی دانش‌آموزان در آن با تمام وجود احساس موفقیت کنند و برای کمک رساندن به هم، سبب پیدایش شور و نشاط در بین دانش‌آموزان شود».

در نظام آموزشی ژاپن، تلاش کردن و مرتکب اشتباه شدن و سپس پی بردن به دلایل اشتباه، بخش‌های اصلی و ضروری فرایند یادگیری محسوب می‌شوند. معلمان ژاپنی معتقدند که کلاس درس بهترین مکان برای اشتباه کردن است؛ و وظیفه‌ی اصلی معلمان کمک به کودکان برای پی بردن به اشتباهات و هدایت و راهنمایی آنان در جهت رفع اشتباهات است. تفاوت‌های فردی را ویژگی‌های طبیعی یک گروه فرض می‌کنند. تفاوت‌های فردی موجود در کلاس منبع مفیدی برای دانش‌آموزان است زیرا مجموعه‌ای از عقاید و راه حل‌ها را موجب می‌شود و زمینه‌ی بحث و گفت و گو و تفکر در دانش‌آموزان را فراهم می‌آورد.

در نظام آموزشی ژاپن، وظیفه‌ی اصلی معلمان انتخاب مسأله‌ای چالش‌برانگیز برای شروع درس است. معلمان دانش‌آموزان را یاری می‌دهند و مسأله را برای آن‌ها توضیح می‌دهند و به دانش‌آموزان کمک می‌کنند، تا بتوانند راه حل‌هایی برای مسأله پیدا کنند. معلم ژاپنی فردی است، که پیوسته در حال تغییر و یادگیری است. شاداب بودن از مهم‌ترین خصایص یک معلم ژاپنی است چرا که آنان معتقدند که اگر روحیه‌ی معلم دچار رخوت و سستی شود علاقه‌ی دانش‌آموزان از بودن در کنار معلم و فکر کردن در کنار او از بین می‌رود. پس لازم است معلم پیوسته خود را از لحاظ روحی و جسمی شاداب و جوان نگه دارد. معلمی شغلی است که همواره با حیات‌ها و زندگی‌های جدید، یعنی بچه‌ها سروکار دارد. بچه‌های بی‌غوغشی که می‌خواهند ابراز وجود کنند. معلمان می‌توانند از شادابی و طراوت بچه‌ها برای شادابی و

مقدمه «فرهنگ، چگونه زندگی کردن را به افراد می‌آموزد و آثار آن به صورت‌های گوناگون در تمام صحنه‌های زندگی فردی و اجتماعی حضور دارد و ارکان هر جامعه‌ای بر فرهنگ آن جامعه استوار است».

نظام‌های آموزشی در کشورهای مختلف، براساس فرهنگ آموزش، آداب و رسوم و سنن پذیرفته شده‌ی عموم مردم برنامه‌ریزی می‌شوند. این که هر جامعه چه نیازهایی دارد و در افق چشم انداز خود به دنبال چه پیشرفت‌هایی از نظر اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و منابع انسانی است؛ مبنای روش‌ها و معیارهای آن جامعه برای برنامه‌ریزی توسط صاحبان اندیشه است. فرهنگ آموزش که به عبارتی می‌توان آن را هویت و موجودیت تمام برنامه‌ریزی‌های آموزشی دانست. در تعدادی از منابع مطالعاتی و در برخی آثار تالیفی و ترجمه شده در باب «فرهنگ آموزش» دکتر سرکار آرانی، مهرمحمدی و سایر اساتید دیگر، به فرهنگ آموزش و حدود آن اشارات تفکر برانگیزی داشته‌اند از جمله: «آموزش و پرورش جزیره نیست، بلکه بخشی از قاره‌ی فرهنگ است.» «آموزش چیزی است که شخص با انس گرفتن با یک فرهنگ آن را دریافت می‌کند نه با مطالعه‌ی رسمی آن.» (استیگر و هیبرت ۱۹۹۹)

آموزش و فرهنگ رابطه‌ای تنگاتنگ دارند. یعنی آموزش در بستر فرهنگ رشد می‌کند و خود موجب رشد فرهنگ می‌شود، به عبارت دیگر اگر جامعه‌ای فرهنگ مناسب نداشته باشد، علم هم در آن رشد نمی‌کند. رشد علمی زمینه می‌خواهد و این زمینه را هم فرهنگ جامعه به وجود می‌آورد.

فرهنگ آموزش در کشور ژاپن

شعار اصلی نظام تعلیم و تربیت ابتدایی در ژاپن: فراهم ساختن محیطی شاداب برای بچه‌ها.

بسیاری از پژوهشگران راز موفقیت ژاپنی‌ها را در فرهنگ آموزش و پرورش آن جست‌وجو می‌کنند. در ژاپن کلاس‌های درس در فعالیت‌های آموزشی مدرسه از موقعیت ممتازی برخوردارند؛ به عبارتی مقدس‌اند. مدرسه محلی برای زندگی است، شیوه‌ی آموزش عملگرا با تأکید بر آزمایش و پژوهش است؛ و آموزش قلب‌ها و اندیشه‌های بچه‌ها مورد توجه است. تلاش کردن و مرتکب اشتباه شدن و سپس پی بردن به دلیل اشتباه، بخش‌های ضروری فرایند یادگیری محسوب می‌شوند. ویژگی مهم فضای فرهنگی مدارس ژاپن در دوره‌ی ابتدایی، سرزندگی، شلوغی، شادابی، شادی و جار و جنجال کلاس است. معلمان ژاپنی بر خلاف همکاران خود در سایر کشورها، تلاشی برای ساکت و بی‌حرکت نگه داشتن دانش‌آموزان خود نمی‌کنند. از آن جا که دانش‌آموز مجاز است با بغل دستی خود صحبت کند، برای تراشیدن مدادش از جا بلند شود یا پرده‌ها را بکشد، این قبیل کارها اختلال در نظم کلاس به شمار نمی‌رود، بنابراین، نظم و انضباط تحمیلی نیست، کلاس‌ها شلوغ و پر جار و جنجال است و این امر از نظر معلمان بدون اشکال می‌باشد.

ژاپنی‌ها معتقدند: مدرسه، جایی است که باید مفرح باشد. مکانی که دانش‌آموز در آن خودش فکر کند، غرق موضوع شود و خودش با تمام وجود برای دغدغه‌های ذهنی‌اش جواب مناسب پیدا کند. پس باید مدرسه‌ای بسازیم که در آن واژه‌ی دانش‌آموز کم توان یا تنبل بی‌معنی باشد مدرسه‌ای که همه‌ی دانش‌آموزان سر کلاس‌هایشان حاضر باشند

در نظام آموزشی ژاپن، تلاش کردن و مرتکب اشتباه شدن و سپس پی بردن به دلایل اشتباه، بخش‌های اصلی و ضروری فرایند یادگیری محسوب می‌شوند.

است در ایران و چند کشور توسعه‌یافته‌ی جهان

طراوت خود بهره بگیرند.

فرهنگ آموزش در کشور فنلاند

شعار اصلی نظام تعلیم و تربیت فنلاند: ساختن جامعه‌ای است

که همه‌ی مردم در آن احساس خوشبختی کنند. باوجود پیشرفت‌های چشمگیر نظام تعلیم و تربیت فنلاند در عرصه جهانی و بین‌المللی، سیاست‌گذاران نظام آموزشی این کشور بر این باورند که هیچ‌وقت به دنبال تهیه و اجرای برنامه‌ی درسی برای اول شدن در آزمون‌های بین‌المللی مانند تیمز و پرلز نبوده‌اند. بلکه دغدغه‌ی اصلی آن‌ها ساختن کشوری است که در آن همه‌ی احاد مردم احساس خوشبختی کنند؛ قابلیت‌هایشان ظاهر شود و استعدادهایشان در عمل متجلی گردد. پرسش اساسی دست اندرکاران نظام آموزش و پرورش فنلاند این است، که برای ساختن جامعه‌ای که در آن همه‌ی مردم خوشبخت باشند، و احساس خوشبختی کنند چه نوع مدرسه‌ای لازم است؟ در فنلاند مدرسه‌ی خصوصی وجود ندارد و مواد درسی وزنی متعادل دارند و تربیت موزون دست، قلب و ذهن مورد توجه است. هزینه‌های تحصیل تا دوره‌های عالی رایگان است و ساعات تدریس مدارس در مقایسه با کشورهای اروپایی، کمتر است. رقابت دانش‌آموزان و معلمان و مدارس جای خود را به مشارکت و آموختن از همدیگر داده است و نکته‌ی آخر این که در نظام آموزشی فنلاند آزمون‌های کمی، استاندارد و سراسری وجود ندارد.



فرهنگ آموزش در سنگاپور

شعار اصلی نظام تعلیم و تربیت سنگاپور: آموزش کودکان در

سطح جهانی و استفاده خلاقانه از دانش. امروزه کشور سنگاپور رسماً به عنوان کشور باهوش‌ترین دانش‌آموزان جهان معرفی شده است؛ کشوری که در کلاس‌های درس آن تمامی دانش‌آموزان ممتازند. براساس گزارش CNN، موفقیت آکادمیک سنگاپور باعث شده تا اقتصاد این کشور به اقتصادی رو به رشد تبدیل شود و نظام آموزش و پرورش این کشور می‌تواند برای دیگر کشورهای جهان تجربه‌ای بزرگ محسوب شود. به گفته‌ی «مارک تاکر»، رئیس مرکز ملی آموزش و اقتصاد آمریکا، سنگاپور نمونه‌ای حیرت‌آور است. این کشور پیش از جنگ جهانی دوم یکی از اصلی‌ترین پایگاه‌های انگلستان به شمار می‌رفت و پس از اینکه انگلستان پایگاه خود در این کشور را بست، در وضعیت بسیار بدی گرفتار شد. اما امروز سنگاپور یکی از برترین اقتصادهای جهان را داراست و عامل اصلی این موفقیت، نگاه جدید مردم نسبت به نظام تعلیم و تربیت و کیفیت بالای خدمات آموزشی در این کشور است.

در دوران پیش از جنگ برای سیستم آموزشی سنگاپور، سوادآموزی

در سطحی کلی و پایه کفایت می‌کرد. اما در اوایل دهه‌ی ۱۹۷۰ به دلیل مشکلات عدیده‌ی اقتصادی، آموزش تمامی کودکان در سطح جهانی، هدف اصلی سیستم آموزشی این کشور قرار گرفت و این به معنی حرکت از آموزش ریشه‌ای به سوی آموزش خلاقانه بود. سنگاپوری‌ها دریافتند اقتصاد جهان دیگر برای افرادی که زیاد می‌دانند ارزشی قایل نمی‌شود، زیرا گوگل همه‌چیز را می‌داند و در اختیار همگان قرار می‌دهد. اقتصاد جهانی به دنبال افرادی بود که می‌توانستند از دانسته‌های خود به خوبی استفاده کنند. از این رو تأکید بر استفاده خلاقانه از دانش در سنگاپور از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. اهمیت آموزش در سنین بسیار کم به کودکان القا می‌شود، حتی پیش از اینکه کودکان وارد دبستان شوند. آموزش ابتدایی یکی از کلیدی‌ترین مقاطع تحصیلی در این کشور به شمار می‌رود؛ زیرا سال‌های تحصیلات ابتدایی اصلی‌ترین سال‌ها در شکل‌دادن به پایه‌ی دانش و آگاهی کودکان به شمار می‌رود.

فرهنگ آموزش در آمریکا

شعار اصلی نظام تعلیم و تربیت آمریکا: کسب موفقیت در

آزمون‌های استاندارد ملی و سراسری. مدارس و معلمان در ایالات متحده آمریکا همواره از جانب افکار عمومی و تقاضا برای ارتقای عملکرد بچه‌ها در آزمون‌های ملی و سراسری تحت فشارند. در گزارش بخش آموزش مجله‌ی نیویورک تایمز چنین آمده است: راه‌های مختلفی برای اندازه‌گیری و سنجش میزان موفقیت مدرسه وجود دارد. ولی امروزه، یگانه معیار موفقیت یک مدرسه که در همه‌ی محافل، حتی روزنامه‌ها و نطق‌های سیاسی از آن صحبت به میان می‌آید، نتایج آزمون‌های استاندارد ملی و سراسری است و تا زمانی که تنها معیار عملکرد مدارس، موفقیت در این آزمون‌ها باشد فشار بر سیستم و نظام تعلیم و تربیت بیشتر خواهد شد.

در نظام آموزشی آمریکا، بر خلاف ژاپن که کلاس درس مقدس است دروس دانشگاهی یا خدمات مذهبی کلیسا از اهمیت بیشتری برخوردار هستند. یادگیری مهارت‌ها با تمرین‌های متعدد و دشوار که رفته‌رفته بر درجه‌ی دشواری آن‌ها افزوده می‌شود اتفاق می‌افتد. تمرین باید تا حدودی بدون خطا و هر دفعه با سطح بالایی از موفقیت همراه باشد. برخلاف ژاپنی‌ها که تفاوت‌های فردی را ویژگی‌های طبیعی یک گروه فرض می‌کنند آمریکایی‌ها معتقدند، تفاوت‌های فردی مانعی جدی بر سر راه یادگیری اثر بخش است و مشکلات یادگیری در کلاس‌های درس را بیشتر می‌کند. چراکه هدف اصلی نظام آموزشی کسب امتیازات ویژه به جهت قبولی دانش‌آموزان در آزمون‌های پایانی و سراسری است؛ و دانش‌آموزان دارای مشکلات یادگیری مانع جدی تحقق هدف فوق‌الذکر به شمار می‌آیند.

فرهنگ آموزش در کشور ایران

در تمام کشورهای جهان، مهم‌ترین و اساسی‌ترین عامل تغییر، تحول و پیشرفت، آموزش و پرورش است. نظام آموزشی جلوتر از تمامی بخش‌های دیگر جامعه در حال حرکت است. تغییرات ابتدا در سیستم تعلیم و تربیت و سپس در تمامی بخش‌های جامعه به وقوع می‌پیوندد. به عبارت ساده‌تر نظام آموزشی پیش قراول جامعه است و همه‌ی بخش‌ها به دنبال آن در حرکتند. اما در نظام آموزشی کشور ما، امروزه جامعه است که در رأس تغییرات قرار گرفته و آموزش و پرورش علی‌رغم تلاش‌های بسیار هنوز به جایگاه واقعی خود نرسیده است. فرهنگ آموزش غالب بر جامعه‌ی ما از طرف اولیای دانش‌آموزان تعیین و برنامه‌ریزی می‌شود و تنها و تنها یک هدف از تمامی آموزش‌های مدرسه‌ای برای اولیا مهم و قابل پیگیری است؛ آن هم موفقیت بچه‌ها در کنکور و ورود به دانشگاه است. سایر اهداف تعلیم و تربیت که مهم‌ترین بخش آن آموزش، تکرار، تمرین و کسب مهارت‌های اساسی زندگی (خصوصاً در حوزه‌ی آموزش ابتدایی) است در حاشیه قرار گرفته است. در بسیاری از مدارس

امروزه کشور
سنگاپور
رسماً به
عنوان کشور
باهوش‌ترین
دانش‌آموزان
جهان معرفی
شده است

در نظام
آموزشی
آمریکا،
دروس
دانشگاهی
و خدمات
مذهبی
کلیسا از
اهمیت
بیش‌تری
برخوردار
هستند.

در نظام
آموزشی
ایران، هدف
موفقیت در
کنکور است
و مهارت‌های
اساسی
زندگی در
حاشیه
است.

هال معلم!

آنچه که بهتر است معلمان بدانند و در مواجهه با شرایط مختلف درست عمل کنند.

فرگس مرادی
دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

کمک‌های اولیه در فرو رفتن شی خارجی در بدن
لباس‌های روی محل آسیب دیده را پاره کنید. شی فرو رفته را درنیاورید. هرگونه حرکتی باعث خونریزی می‌شود و آسیب را وسیع می‌کند. هرگونه خونریزی را با فشار در اطراف شی فرو رفته بند آورید. با گذاشتن یک پانسمان حجیم یا پارچه‌ی تمیز در اطراف شی آن را در محل ثابت نگه دارید تا مصدوم را به اورژانس برسانید.



کمک‌های اولیه در سوختگی شیمیایی
مواد شیمیایی محل را بلافاصله با فشار آب بشوید. زینت‌آلات و لباس‌های آلوده‌ی مصدوم را در بیاورید. شست و شو را تا ۲۰ دقیقه ادامه دهید. محل آسیب دیده را با یک پانسمان استریل یا پارچه‌ی تمیز بپوشانید.



کمک‌های اولیه در گزیدگی حشرات
محل نیش را بررسی کنید. ببینید آیا نیش و کیسه‌ی سم روی پوست هست یا نه. نیش و کیسه‌ی سم را با یک وسیله‌ی محکم مانند: ناخن گیر، کارت اعتباری یا لبه‌ی قیچی یا چاقو بیرون آورید. محل گزش را با آب و صابون بشوید تا از عفونی شدن محل جلوگیری شود.



و کلاس‌های درس اولیا برای آموزش بچه‌ها برنامه‌ریزی می‌کنند؛ و از معلمان و مدیران مصرا نه می‌خواهند که این برنامه‌ها، که تماماً در راستای تحقق هدف ذکر شده است را به مرحله‌ی اجرا درآورند و بدون تعارف باید گفت که نظام آموزشی و برنامه‌های فعلی آن را متناسب و در راستای اهداف و نیازهای بچه‌ها نمی‌دانند. با شروع سال تحصیلی در مهر ماه هر سال، در کنار فروشگاه‌های مربوط به لوازم التحریر بچه‌ها، فروشگاه‌های دیگری هستند که به نسبت خیلی بیشتر، مورد توجه اولیا و دانش‌آموزان قرار می‌گیرند.



کتاب‌فروشی‌هایی که در آن‌ها کتاب‌هایی با عنوان کتاب‌های کمکی از مؤسسات مختلف و با نام‌های متفاوت در تمامی دروس و در تمامی سطوح آموزشی به فروش می‌رسد. افزایش روزافزون تعداد مؤسسات آموزشی خصوصی و برگزاری آزمون‌های استاندارد و غیراستاندارد آماده‌سازی کنکور و تبلیغات گسترده‌ی آن‌ها در شبکه‌های رسمی صدا و سیما، هزینه‌های هنگفت خانواده‌ها برای قبولی فرزندان‌شان در دانشگاه به هر قیمت ممکن و نمونه‌های بسیاری از این دست، بیانگر فرهنگ آموزش حاکم بر جامعه‌ی ماست. امروز اولیای دانش‌آموزان، مدرسه، مدیر و معلمی را مورد تأیید قرار می‌دهند که این انواع کتاب‌های کمکی را جهت مطالعه و یادگیری بیش‌تر به بچه‌ها معرفی کرده و دانش‌آموزان را جهت تست‌زنی و قبولی در آزمون‌های ورودی مدارس خاص آماده کنند. با دیدی کارشناسانه می‌توان گفت که این فرایند و این پدیده نوعی شکست برنامه‌های آموزشی کشور محسوب می‌شود و از چالش‌های اساسی نظام تعلیم و تربیت به شمار می‌رود.

در تمام کشورهای جهان، مهم‌ترین و اساسی‌ترین عامل تغییر، تحوّل و پیشرفت، آموزش و پرورش است.

منابع

- ۱- بختیاری، ابوالفضل؛ جستاری به فرهنگ آموزش در مدارس ژاپن، پژوهشگاه آموزش و پرورش - پژوهشکده خانواده تاریخ: ۲۵ بهمن ۱۳۸۸، قابل دسترس در (<http://japanstudies.ir/post>).
- ۲- آقاسی، علیرضا، تقی زاده، محرم؛ آموزش در جامعه صنعتی، مجله رشد معلم، شماره ۳، آذرماه ۱۳۹۰، صفحات ۳۰ تا ۳۲.
- ۳- ایشی کاوا، پوشی تاکا؛ معلم ژاپنی به مثابه رهبر. علی‌رضا رضایی (مترجم). انتشارات مرآت، تهران، ۱۳۹۳، صفحات ۴۱ تا ۴۲ و ۱۵۳.
- ۴- سرکارآرانی، محمدرضا؛ فرهنگ آموزش و یادگیری، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۸۹.
- ۵- ظفری نژاد، عادل؛ درس پژوهی، انتشارات کورش چاپ تهران، ۱۳۹۳، صفحات ۱۳ تا ۲۲.
- ۶- لوئیس، کترین؛ آموزش قلب‌ها و اندیشه‌ها در مراکز پیش دبستانی و ابتدایی ژاپنی‌ها. حسین افشین منش و شیده ایل بیگی طاهر (مترجم)، انتشارات کمبریج، تهران، ۱۳۸۱، صفحات ۴۷ تا ۶۰.
- ۷- هرناندز، کارلوس، مایر، راشی؛ یادگیری برای هزاره‌ی نوین، چالش‌های آموزش در قرن بیست و یکم. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، موسسه‌ی آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، انتشارات موسسه‌ی آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، صفحه ۱۷۰ تا ۱۷۱.

انواع ارزشیابی‌های آموزشی بر حسب ملاک مورد استفاده برای مقایسه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان



* ابراهیم محمدپور
دکتری سنجش و اندازه‌گیری

مدارس با هدف آموزش به دانش‌آموزان برای کسب دانش و مهارت‌های زندگی دایر شده‌اند. سنجش میزان و کیفیت دانش آموخته شده و مهارت‌های کسب شده نیز قلمرو ارزشیابی آموزشی است که در قلب فرایند آموزش و یادگیری جای دارد. به عبارت روشن‌تر، آموزش برای ایجاد یادگیری در دانش‌آموزان در کلاس درس ارائه می‌شود. برای اطمینان از کمیت و کیفیت یادگیری، ارزشیابی از آموخته‌های یادگیرندگان ضرورت دارد. بنابراین ارزشیابی آموزشی حلقه‌ای از فرایند آموزش و یادگیری و برای کمک به این فرایند است. ارزشیابی پیشرفت تحصیلی عبارت است از: سنجش آموخته‌های دانش‌آموزان در هر کدام از موضوعات درسی (مانند ریاضی)، و مقایسه آن با هدف‌های از قبل در نظر گرفته شده برای آن درس (سیف، ۱۳۹۲) به منظور قضاوت در مورد کمیت و کیفیت آموخته‌های دانش‌آموزان. لذا ارزشیابی آموزشی یک فعالیت مستقل نیست که در خلاء انجام گیرد، بلکه همچنان‌که اشاره رفت در ارتباط مستقیم با آموزش، و برای کمک به فرایند آموزش صورت می‌گیرد. برای اینکه ارزشیابی آموزشی معنی پیدا کند، وجود یک مرجع یا معیار ضرورت دارد تا عملکرد یادگیرندگان با آن مقایسه و سنجیده شود. بنابراین با توجه به ملاک مورد استفاده برای مقایسه عملکرد آزمودنی‌ها، دسته‌بندی‌های مختلفی از ارزشیابی‌های آموزشی وجود دارد، که مهم‌ترین آنها عبارتند از: (۱) ارزشیابی هنجار مرجع؛ (۲) ارزشیابی ملاک-مرجع؛ (۳) ارزشیابی مبتنی بر برنامه درسی؛ و ارزشیابی پویا (Boyle & Fisher, ۲۰۰۷). در ارزشیابی هنجار مرجع عملکرد آزمودنی‌ها با عملکرد سایر آزمودنی‌ها که به عنوان هنجار یا مرجع در نظر گرفته شده است؛ مقایسه می‌شود. به عنوان مثال، فرض کنید که اداره کل آموزش و پرورش یک استان در نظر دارد که آزمونی را برای دانش‌آموزان پایه ششم که داوطلب ورود به مدارس خاص می‌شوند تدوین کند، که سوال‌های آن شامل: ریاضی، علوم، اجتماعی، و بخوانیم باشد. در این صورت این آزمون روی نمونه‌ای که از بین همه دانش‌آموزان پایه ششم آن استان بصورت تصادفی انتخاب شده‌اند به اجرا در خواهد آمد و سپس شاخص‌های آماری آزمون (میانگین و انحراف استاندارد) محاسبه می‌شود. میانگین و انحراف استاندارد این آزمون داده‌های هنجاری هستند. اگر معلمی بخواهد که سوال‌های درس ریاضی آزمون موردنظر را برای دانش‌آموزان کلاس خود اجرا نماید و یا اینکه خود دست به طراحی یک آزمون جدید بزند و سپس نتیجه را با شاخص‌های آماری بدست آمده از آزمون ورودی مدارس خاص نماید، ارزشیابی وی یک ارزشیابی هنجار مرجع خواهد بود. روشن است این رویکرد ارزشیابی زمانی ضرورت پیدا می‌کند، که معلم قصد دارد که عملکرد دانش‌آموزان خود را با داده‌های هنجاری مقایسه نماید.

ارزشیابی ملاک مرجع، در این ارزشیابی معلم عملکرد دانش‌آموزان خود را با یک ملاک که این ملاک معمولاً هدف‌های آموزشی هستند مقایسه می‌نماید. فرض کنید که معلمی قصد دارد بداند که آیا دانش‌آموزان وی به اهداف

مفهوم «جمع» در درس ریاضی سوم دبستان دست یافته‌اند؟ به همین منظور وی اقدام به تدوین یک آزمون کتبی می‌نماید که سوال‌های آن دربرگیرنده مفهوم جمع هستند. به عنوان مثال، آیا دانش‌آموزان می‌توانند عدد ۳ را با ۵ به‌درستی جمع ببندند؟ اگر چنانکه دانش‌آموزان بتوانند از عهده سوال‌هایی که مفهوم «جمع» را مورد سنجش قرار می‌دهند برآیند، معلم قضاوت می‌کند که آنان به هدف‌های آموزشی این مفهوم که همان ملاک موردنظر است دست یافته‌اند.

ارزشیابی مبتنی بر برنامه درسی زمانی مفهوم پیدا می‌کند که عملکرد یادگیرنده با محتوای برنامه درسی که وی آن را تجربه می‌کند مقایسه می‌شود. این نوع ارزشیابی بیشتر برای تشخیص نیازهای آموزشی یادگیرندگان بر اساس محتوای برنامه درسی موجود است. به عبارت دیگر ارزشیابی مبتنی بر برنامه درسی مشخص می‌نماید که نیازهای یادگیری یادگیرندگان در قدم بعدی آموزش چه چیزهایی هستند.

ارزشیابی پویا، نوعی دیگر ارزشیابی است با این رویکرد که عملکرد یادگیرنده با حمایت‌های معلم بهبود می‌یابد و این خود شامل مراحل آزمون - آموزش - آزمون می‌باشد. یعنی آزمون‌های به‌عمل آمده بازخوردهای لازم برای معلم را فراهم می‌نمایند، تا وی آموزش خود را بر اساس نیازهای دانش‌آموزان فراهم نماید. به عبارت دیگر، این نوع ارزشیابی همانند نردبانی می‌ماند که دانش‌آموزان را در جریان یادگیری کمک می‌نماید تا مسیر پیشرفت را طی نمایند. استفاده از این نوع ارزشیابی زمانی بیشتر موضوعیت پیدا می‌کند که معلم بخواهد از مناسب بودن استراتژی‌های یادگیرندگان اطلاع پیدا کند، و یا اینکه بداند آنها چگونه به‌شیوه کار معلم واکنش نشان می‌دهند؛ و یا بخواهد از مشکلات یادگیری دانش‌آموزان آگاه شود.

از مقایسه این چهار نوع ارزشیابی می‌توان دریافت که، سه نوع اول معطوف به بازده و نتیجه یادگیری هستند، یعنی ارزشیابی از آموخته‌های یادگیرندگان در پایان آموزش (ارزشیابی پایانی یا تراکمی). بنابراین عمدتاً در پایان فرایند آموزش بکار گرفته می‌شوند. در مقابل ارزشیابی پویا بیشتر در فرایند یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرد، زمانیکه آموزش در جریان است (ارزشیابی تکوینی). لازم به ذکر است که استفاده معلم برای ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان خود از هر کدام از این ارزشیابی‌ها در مقایسه با دیگری ذاتاً مطلوب یا نامطلوب نیست، بلکه این هدف ارزشیابی است که تعیین و توجیه‌کننده استفاده از هر کدام از این ارزشیابی‌هاست.

علاوه بر دسته‌بندی‌هایی که در اینجا بدان اشاره رفت، دسته‌بندی‌های دیگری از ارزشیابی آموزشی از قبیل ارزشیابی کلاس محور، مدرسه محور، منطقه محور، ملی و بین‌المللی وجود دارد؛ که در فرصت‌های آتی بدان پرداخته خواهد شد.

منابع

سیف، علی اکبر. (۱۳۹۲). اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی، ویرایش ششم، نشر دوران، تهران.
Boyle, J., & Fisher, S. (۲۰۰۷). Educational Testing A Competence-Based Approach, BPS Blackwell (British Psychological Society).

ارزشیابی
ملاک-مرجع،
در این
ارزشیابی
معلم عملکرد
دانش‌آموزان
خود را با یک
ملاک که این
ملاک معمولاً
هدف‌های
آموزشی
هستند مقایسه
می‌نماید.

ارزشیابی
مبتنی
بر برنامه
درسی زمانی
مفهوم پیدا
می‌کند که
عملکرد
یادگیرنده
با محتوای
برنامه
درسی که
وی آنرا
تجربه
می‌کند
مقایسه
می‌شود.

شیدا



✽ زهرا مراد بگلو - دانشجوی ادبیات فارسی

وظیفه‌ی خطیر را بر عهده داشت، بازنشستگی خود را اعلام کرده و زن‌عمو را جانشین خود معرفی کرد. زن‌عمو که طبق آنچه در ذیل مطالب به عرض استماع رسید، می‌خواست هر طور شده از خجالت عمه‌ی محترم به درآید، این مسئولیت عظیم را پذیرفت. القصة فال را باز کردند:

اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد

من و ساقی بهم تازیم و بنیادش براندازیم

فی‌الحال، قضیه به اینجا ختم نشد، نوبت عمه بود که تفال بزند.

عمه جان انگار مشخص کرده بود که دقیقاً چه می‌خواهد بار زن‌عمو کند:

حسن خلقی ز خدا می‌طلبم خوی تو را

تا دگر خاطرم از تو پریشان نشود

در حین خوانش بیتی از غزل، طوری به زن‌عمو نگاه می‌کرد که انگار خودش خالق این بیت است!

زن‌عمو در پی جوابی بود از زبان لسان‌الغیب، تا تیر خلاص را بزند که ابوی بنده کلام ایشان را منقطع نموده و سر ماجرا را خودش در پیش گرفت. او ظاهراً می‌دانست اشعار خواجه به درازا خواهد کشید، که شب

یلدا و شب‌های دیگر دست از سرشان برنمی‌دارد.

بدین صورت دست به دامان دیوان مرحوم محمد تقی بهجت (شهریار) گردید و روی به سوی اقوام و نیکان:

عمر و ما مهلت امروز و فردای تو نیست

من که یک امروز مهمان تو ام، فردا چرا؟

اناث حاضر در جمع باز هم در پی همین بیت، جواب‌هایی در ذهن خود از ابیات پراکنده‌ی شعرای ایران‌زمین داشتند، که با زنگ خطر خان‌بابا، مراسم خاتمه یافت، بی‌شک او می‌توانست کار به دیوان ایرج میرزا بکشد!

خود را ورزیده می‌کنند و از یلدا به یلدا ریکواری‌های منظم انجام می‌دهند، یک فرصت به اصطلاح «خفن» محسوب می‌شود.

شروع مجلس با زن‌عموی بنده بود که عجیب یاد و خاطره‌ی علی سامره را در ذهنم مجسم ساخت. جیک ثانیه نشده تیکه‌ای آبدار به سمت عمه‌ی این‌جانب افکند، مبنی بر اضافه وزن عمه!

عمه مژگان، عمه وسطی حقیر می‌باشد که هر سال یلدا، شاهد حجیم‌تر شدنش بودیم. عمه‌ی بیچاره و نازک‌تر از گلم با جواب «دل که با غذا پر نشه، باید با عقده پر بشه» گل مساوی را زد!

تیکه‌ها یکی پس از دیگری، با موضوع و مباحث مختلف القول، از سرب‌های ایزوتوبی ایتالیایی گرفته تا پلانکتون‌های کف اقیانوس اطلس، به زمین هم پرتاب می‌شد!

مباحث مورد بحث ابوی بنده با عموی محترم بیشتر حول محور مسائل منطقه و فرمانطقه بود، این را هم بگویم که گورباچوف ننه مرده، خودش هم آخر عمری‌اش فروپاشی‌اش را قبول کرده بود، اما این دو برادر کنار نمی‌آمدند!

مهم‌ترین مسئله عدم اتحاد دو گروه هیلاریون و ترامپیون بود. بنده حاضرم به زرت قاطع اعلام دارم که خود ترامپ و دیگر دولتمردان و سیاسیون ایالت متحده، باهم، یک‌جا، نمی‌توانند مسائل استراتژیک آمریکا را این‌چنین تحلیل و موشکافی کنند!!

سیاست، فرهنگ، هنر و مسائل اجتماعی، بهم گره خورده بودند، که بی‌بی‌جان کبیر آتش‌بس این سخنان صد من به غاز را اعلام کرد.

پیشنهاد تفال‌زدن به خواجه‌ی شیراز، از سوی خان‌بابا (پدر بزرگ) ساطع گردید.

بنابر رسم هر ساله، عموی بزرگ این‌جانب، که این

همه شب‌های غم آبستن روز طرب است

یوسف روز ز چاه شب یلدا آید

آیین باستانی یلدا، همه ساله در کشور اهورایی‌مان با فر و شکوه فراوانی برگزار می‌شود.

طبق قضایای از پیش مقرر گردیده، در لیل طویل یلدا همگی ما به منزل بی‌بی‌جانمان رفته و اولین شب شتا را به فال نیک می‌گیریم.

بی‌بی‌جان‌ها (مادربزرگ‌ها) طبق وظایف تعریف شده، مهربانند و صبور، لیکن دائمی بر لب، با همان نگاه‌های نافذ اندر نجیب، یک ماه قبل در سودای برگزاری مراسم شب یلدا و استقبال از فرزندان و نوادگان می‌باشند.

بی‌بی‌جان، مادر ابوی بنده است. - این نکته را بر فرمایشات افزودم، هنوز قشقرق‌های عروس و مادرشوهر، خانم‌داداش با خواهرشوهر و روابط خون‌آشام جاری، برقرار و بر دوام است -

سر پدر پُر بود از افکار ضد فمینیستی، گیرافتادن در ترافیک و سر مادر نیز سودای دیگر، تیکه‌های ناب، محصول ۲۰۱۶!

با غرغرها و ژاژخایی‌های پدر و لفت دادن‌های مادر به منزل بی‌بی‌جانمان رسیدیم.

کرسی موکد و مصطلح وسط هال خانه‌ی بی‌بی‌جان تعبیه شده بود، روی آن میوه‌هایی دسته به دسته، با نظم و ترتیب یک جا نشسته بودند، حضور بشکن‌شکنی‌ها هم، قابل اغماض نبود.

این مراسم باستانی، برای این‌جانب که خدمتگذار تام و اکید جناب اعلی‌حضرت شکم بودم، خالی از جذابیت نبود.

البته جذابیت این موضوع برای مادر، همشیره‌های پدرم و خانم برادرهای ایشان بیش از پیش بود. آنهایی که یک سال در زیر تمرین‌های سخت‌تر از پاورلیفتینگ



مروری بر فعالیتهای پردیس شهیده بنت الهدی صدر سنندج

* شراره صادقی
دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

برگزاری مراسم تودیع سرکار خانم فرانک قدسی و معارفه سرکار خانم دکتر ظهیری



مراسم تودیع سرکار خانم دکتر فرانک قدسی (سرپرست سابق پردیس شهیده بنت الهدی صدر سنندج) و معارفه سرکار خانم دکتر ظهیری (سرپرست جدید پردیس شهیده بنت الهدی صدر سنندج) روز دوشنبه اول آذر ماه ۱۳۹۵ در سالن اجتماعات پردیس شهیده بنت الهدی صدر و با حضور دکتر تاجیک اسماعیلی، قائم مقام دانشگاه فرهنگیان، دکتر یحیی معروفی، سرپرست مدیریت امور پردیس های استان کردستان، حاج آقا شیخ الاسلام، مسؤول نمایندگی نهاد مقام رهبری در دانشگاه های استان کردستان، معاونان مدیر کل آموزش و پرورش کردستان و اساتید و کارکنان دانشگاه فرهنگیان برگزار شد. در این مراسم از زحمات بی دریغ سرکار خانم دکتر فرانک قدسی تقدیر به عمل آمد.

برگزاری مراسم بزرگداشت روز دانشجو



این مراسم روز سه شنبه، مورخ ۱۳۹۵/۰۹/۱۶ با حضور همکاران و اساتید و دانشجومعلمین و کارکنان مدیریت دانشگاه فرهنگیان استان کردستان، جناب آقای دکتر معروفی مدیریت امور پردیس های استانی دانشگاه فرهنگیان؛ آقای شهابی ریاست حوزه مدیریت؛ آقای حیدری مسئول ارزیابی و نظارت؛ آقای شریفیان مسئول امور فرهنگی؛ آقای محمدی کارشناس امور مالی دانشگاه فرهنگیان؛ آقای طالب محمدی معاون پژوهش و برنامه ریزی اداری کل آموزش و پرورش استان کردستان در سالن اجتماعات پردیس بنت الهدی صدر برگزار شد. قرائت شعر طنز، بیانیه بسیج، و مولودی خوانی از جمله برنامه های دیگر این مراسم بود. به جهت ایجاد انگیزه بهتر و بیشتر در دانشجویان مسابقه ای تحت عنوان دیدگاه فرهنگی، انقلابی و سیاسی یک دانشجومعلم در مورد روز دانشجو از طرف واحد فرهنگی پردیس طراحی گردید و سؤالات طرح شده در بین دانشجویان توزیع گردید که به پنج نفر برگزیده از طرف دفتر نهاد رهبری کارت هدیه اهدا گردید. در پایان مراسم نیز از رتبه های اول و دوم و سوم استانی بیست و ششمین جشنواره مسابقات فرهنگی و هنری در بخش قرآن و عترت و علمی و ادبی و هنری با اهدای لوح تقدیر و کارت هدیه، قدردانی گردید و از برندگان مسابقه شمیم قرآنی و همکاران واحد آموزش به جهت برگزاری نشست هم اندیشی تجلیل به عمل آمد.

کسب دو مقام کشوری در بیست و ششمین جشنواره علمی، ادبی و هنری دانشجومعلمین سراسر کشور



ده نفر از دانشجومعلمین این پردیس به همراه کارشناس مسئول امور فرهنگی پردیس برای شرکت در بیست و ششمین جشنواره دانشجومعلمین دانشگاه فرهنگیان به تبریز اعزام شدند. در این جشنواره که سه روز طول کشید، دانشجومعلمین در رشته های مختلف به رقابت پرداختند. در این جشنواره، خانم سمیه محمدی موفق به کسب مقام اول کشوری در بخش بازی های رایانه ای و خانم شراره صادقی (سر دبیر نشریه راسپیر) موفق به کسب رتبه سوم کشوری در بخش نشریه مکتوب بیست و ششمین جشنواره علمی، ادبی و هنری دانشجومعلمین دانشگاه فرهنگیان شدند.

میر مثل معلم



تهیه و تنظیم:
شهاب نصیری نیا - دانشجوی علوم تربیتی
با تشکر از راشد محمدیان

رسانه‌ها یادآوری می‌شوند و در میان مردم می‌مانند اما نه به گرمی سابق؛ شاید برای مثال اگر حرکت مرحوم ادهم مظفری در کتاب درسی فارسی ثبت می‌شد مانند دهقان فداحاکر جاودانه‌تر خواهد ماند.

«از ماهان بگوییم؛ وضعیت کنونی ماهان چگونه است؟ آیا حال ماهان صد در صد بهبود پیدا خواهد شد؟»

ماهان هم‌اکنون دانش‌آموز کلاس پنجم ابتدایی می‌باشد از نظر روحی شکرخدا بسیار خوبند، اما کمی زمان می‌برد تا بهبودی کامل پیدا کند. امیدوارم بهبودی کامل پیدا کند.

«مسئولین و خیرین تا چه حد به ماهان کمک کردند؟»
خیرین کمک کردند، اما مسئولین به تمامی وعده‌هایشان جامه عمل نپوشاندند.

«پسر شما در دانشگاه فرهنگیان تحصیل می‌کنند و امسال فارغ التحصیل می‌شوند؛ به عنوان حرف آخر چه توصیه‌ای برای دانشجومعلمان دارید؟»

قبل از هرچیز یادآور شوم که برخی کلمات بسیار ساده و برخی از نام‌ها و محتوای درونشان بسیار وزین و گرانبه‌تر است به‌طوری که با هیچ کلامی برابری نمی‌کند و اساساً قابل مقایسه نیست، معلم یکی از همان مفاهیم پرمعنا و بی‌نهایت گرانبه‌تر و پرمغز است که هم‌تا و همانند ندارد. این را هم خدا و هم رسولش به کرات در آیات و احادیث نبوی یادآور شده‌اند، مانند آیه شریفه: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ» و یا پیامبر می‌فرمایند: «إِنِّي بُعِثْتُ مُعَلِّمًا».

معلم رهبر دلهاست، به سوی قله‌های کمال و سعادت، ترقی و پیشرفت، باغبان دلسوزی است که بذر محبت می‌افشاند و عشق می‌پروراند. معلمی شغل و حرفه نیست، بلکه ذوق و هنر و توانمندی است.

باید عاشق باشی تا عشق را دریابی، کلمه عشق با معلم دو حلقه وصل جدایی ناپذیرند، تا عاشق نباشی نمی‌توانی معلمی را به نحو شایسته به انجام برسانی، اگر معلم شدی لازمه‌اش عشق است وگرنه جز مردگی انتظار طراوت و تازگی از آن نداشته باشی. اینک که هنر معلمی پیشه کرده‌اید، بدانید که هنر زندگی، زندگی در کنار مشکلات و هدایت آن به سوی خوبی‌هاست، نه حذف مشکلات. به شاگردانتان بیاموزید که آدمی در عرصه‌ی روزگار، به لبخندی که بر لبها می‌نشانند و به احساس خوبی که برجای می‌نهد و به دردی که از دیگران می‌کاهد، می‌ارزد و بس.

اشاره: محمدعلی محمدیان یا علی محمدیان، معلّم کُرد مقطع دبستان شیخ شلتوت، از اهالی مریوان است؛ که در بهمن ماه ۱۳۹۲ پس از اطلاع از اینکه ماهان یکی از دانش‌آموزهایش به دلیل اختلال در سیستم ایمنی بدنش دچار ریزش مو شده است، به خاطر ماهان تماماً موی سر خود را می‌تراشد و به دنبال آن نیز تمامی دانش‌آموزان کلاس مود سر خود را می‌تراشند؛ و همین کار او بازتاب وسیعی در رسانه‌های داخلی و رسانه‌های خارجی چون گاردین، کریستین ساینس مانیتور، هافینگتن پست، ایندیپندنت، زوددویچه تسایونگ و ... در پی داشت. اشخاص فراوانی چون علی ضیاء برای همدردی با «ماهان رحیمی»، سر خود را تراشیدند. به دنبال آن، توسط رئیس‌جمهور ایران، حسن روحانی با او تماس گرفته می‌شود و از او تقدیر می‌کند.

«لطفاً یک بیوگرافی کلی از خودتان بگویید؟»

محمدعلی محمدیان کارشناس علوم تربیتی، آموزگار پایه‌ی دوم ابتدایی دبستان شیخ شلتوت از شهرستان مریوان؛ سابقه‌ی تدریس ۲۶ سال هستم.

«از بازتاب کارتان بگوییم؛ خودتان چنین پیش‌بینی می‌کردید که این کارتان چنین بازتابی داشته باشد؟»

نیازی نیست که کار عجیب و غریبی کنی، نیازی نیست آپولو هوا کنی! کافی است از خود وجودت بیرون بیایی. کافی است خودت را نبینی و آن‌وقت چشمان معصومه‌ای که منتظر نگاه معصومه‌توست را خواهی دید، و برای دستهایی که می‌آیند تا تو دستگیرشان باشی پیش قدم خواهی شد.

کافی است به خواسته‌های دیگران هم کمی بها دهی و آنان را هم ببینی. نیازی نیست به دنبال شهرت و معروفیت باشی تا همیشه توی چشم باشی، شاید این‌ها دلایلی باشد که کار بنده‌ی حقیر این چنین سریع و غیرقابل پیش‌بینی که تصورش را هم نمی‌کردم در دنیا بازتاب داشته باشد و این حرکت من و دانش‌آموزانم در رسانه‌های داخلی و خارجی با گستردگی فراوان انعکاس پیدا کند.

«به نظر شما چرا چنین کارهایی خیلی زود رسانه‌ای می‌شود و خیلی زود هم فراموش می‌شود؟»

این کارها برای همیشه فراموش نمی‌شود و هر ازگاهی در مطبوعات و

نیازی نیست که کار عجیب و غریبی کنی، نیازی نیست آپولو هوا کنی! کافی است از خود وجودت بیرون بیایی.

عوامل و روش‌های تاثیر گذار بر تربیت اسلامی



* ندا غلامی

دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

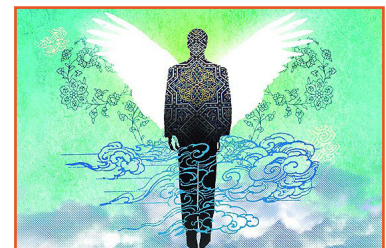
مقدمه

تربیت از ریشه ربو در لغت یعنی غذا دادن و بزرگ کردن و در اصطلاح مورد نظر ما مجموعه تدابیر و روش‌هایی است که برای ایجاد، ابقاء، اکمال ادراکات، تمایلات، تصمیمات و اقدامات مطلوب در مرتبه صورت می‌پذیرد. (بهشتی و نیکویی، ۱۳۸۹)

تربیت به معنای: پرورش دادن و پرورش یافتن انسان، از آغاز آفرینش بوده است. زیرا از آن هنگام که بشرهای نخستین، روش غذا خوردن و چرانیدن دام و کشت زمین را (با) ابزارهای ابتدایی به فرزندان خویش یاد داده‌اند، تعلیم و تربیت انجام یافته است. (قطب، ۱۳۶۲)

تربیت از جمله امور زندگی هر انسانی است. انسان با توجه به تربیت، خود می‌تواند به پیشرفت‌های چشمگیری دست پیدا کند و جامعه را در راستای رسیدن به اهداف خود یاری نماید.

تربیت دارای مراحل مختلفی است؛ و در راه تربیت باید صبر پیشه کرد و از راه‌ها و عوامل بسیاری مدد گرفت؛ تا بتوان به خوبی به نتیجه رسید. کتاب‌ها و وسایل بسیاری برای کمک وجود دارند که مهم‌ترین آنها کتاب قرآن و احادیث پیامبر (ص) و ائمه معصومین می‌باشد. با توجه به توضیحات داده شده و شرایط فعلی جامعه می‌توان به این نتیجه دست یافت که معنای واقعی تربیت اسلامی را درک نکرده‌ایم و سهل انگاری‌هایی را در این باره انجام داده‌ایم. به خاطر مشکلات و عوامل مزاحم عصر فعلی، بزرگان و اندیشمندان باید بیشتر بر روی این مسئله کار کنند و این موضوع بیشتر، حائز اهمیت باشد. حال باید ببینیم که چه عواملی بر روی تربیت فرزندان تاثیر گذارند؟ چه روش‌هایی برای تربیت درست وجود دارد؟ و هدف ما از تربیت اسلامی چیست؟



تربیت اسلامی

اینکه نظام تربیتی اسلام چگونه تربیتی است در پاسخ می‌توان گفت: نظامی است که زمینه را برای ساختن انسان و حرکت او به سوی کمال

فراهم و تسهیل می‌کند، این سیستم با هیچ یک از نظام‌های موجود جهان نمی‌خواند و هیچ سیستمی هم شبیه آن نیست، نه شرقی است و نه غربی، مزایای آنها را دارد ولی معایبش را ندارد فکر و روشی مخصوص به خود دارد و انسان‌ها در آن مسئول پیشبرد هدف‌هایی هستند که از آفرینش بر ایشان تدوین شده است. (قایمی، ۱۳۶۰)

تربیت اسلامی خود گستره بسیار وسیعی را دارا می‌باشد. اندیشمندان اسلامی هر کدام به جنبه‌های متفاوت آن پرداخته‌اند و کتب بسیاری در این باره به تحریر در آمده است. به طور مثال جمیل علم الهدی در یک پژوهشی با عنوان مبانی تربیت اسلامی و برنامه‌ریزی درسی (بر اساس فلسفه صدر) به طور کلی دیدگاه‌های متفاوتی را که در زمینه تعلیم و تربیت وجود دارد را به سه دسته تقسیم نموده است.

در اسلام برای اینکه بتوان سه ابزار مذکور را به حد عالی خود رساند اصولی وجود دارد. از این اصول می‌توان به اصل ترکیب در مواد آموزشی اشاره کرد، به گونه‌ای که فقط یک ماده آموزشی تدریس نشود بلکه از مواد گوناگون و ثمربخش استفاده شود، تا متعلم بتواند در بخش‌های مختلف زندگی خود، از آن استفاده کند. از اصول دیگر می‌توان به اصل ترتیب اشاره کرد. این اصل بسیار مهم است، چراکه اگر این اصل رعایت نشود متعلم نمی‌تواند مطالب را به خوبی بیاموزد و در فهم آن دچار مشکل می‌شود. مطالب باید گزیده شده باشد و هر مطلبی را نمی‌توان آموزش داد. مطالب گزیده شده باید از تنوع متناسبی برخوردار باشد؛ تا برای فراگیر جذابیت لازم را به همراه داشته باشد. همچنین اجزا و عناصر باید با یکدیگر هماهنگی داشته باشند تا متعلم در فهم آنها دچار مشکل نشود، و بسیاری از اصول دیگر.

محمد باقر هوشیار، نویسنده کتاب (اصول آموزش و پرورش) قدیمی‌ترین شخصیتی است که در ایران، در باب اصول تعلیم و تربیت سخن گفته است. وی اصول را تا آنجا مهم می‌داند که حتی آنها را به تعریف تعلیم و تربیت هم تسری می‌دهد: تعلیم و تربیت فعل و انفعالی است میان دو قطب که مسبوق به اصلی و متوجه به هدفی و مستلزم طرح و نقشه‌ای باشد. آنگاه اصول تعلیم و تربیت را این‌گونه تعریف می‌کند: مقصود از اصول جست و جوی آن‌گونه مبانی عقلانی و آنگونه مقیاس‌هاست که به وسیله‌ی آن می‌توان در هر مورد با کمال سهولت رفتار پرورشی مطلوب کرد؛ رفتاری که به وسیله‌ی آن می‌توان هر وضع خاص تربیتی یعنی هر طفل را از موقف به خصوص خود به هدف مطلوب رساند. (بهشتی و نیکویی، ۱۳۸۹)

علاوه بر اصول ذکر شده، عواملی نیز موجود هستند که در میزان تربیتی فرد اثر گذاشته، و می‌توانند به اثرات مثبت یا منفی دامن بزنند. از جمله عوامل مهم می‌توان به عامل وراثت، خانواده، مدرسه، محیط اشاره کرد.

تربیت اسلامی و اسلام دارای اهدافی می‌باشند. هر جامعه‌ای برای خود دارای اهدافی است. اهداف کلی و اهداف جزئی، که در واقع اهداف جزئی زیرمجموعه اهداف کلی هستند. اهداف کلی کمتر هستند؛ اما زیرشاخه‌های آن که اهداف جزئی به شمار می‌آیند بیشتر هستند، به طور کل می‌توان گفت که، اهداف جزئی به مانند پله‌هایی برای رسیدن به اهداف کلی هستند. در تعلیم و تربیت نیز ما از جزئیات شروع می‌کنیم؛ و به سمت کلیات می‌رویم، چراکه از این طریق آمادگی ذهنی را به وجود می‌آوریم و اطلاعات در هر مرحله به وسیله‌ی یکدیگر تکامل یافته‌تر می‌شوند. البته برای رسیدن به اهداف نیاز است که جامعه و شرایط را به خوبی بشناسیم. از پیش فرض‌های اهداف تربیتی از دیدگاه اسلام می‌توان موارد زیر را نام برد:

(الف) اسلام یک سیستم مفهومی جامع است. (ب) اسلام نسبت به تمام ابعاد زندگی جامعیت دارد.

(ج) اهداف تربیتی اسلام، همه یا هیچ نیست، یک پیوستار است. (کاپانی، ۱۳۸۸)

روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی از نظر علامه طباطبائی، به ۵ روش تقسیم بندی می‌شود. این ۵ روش عبارت‌اند از: روش عملی، روش مباحثه‌ای، روش عقلانی، روش اسوه‌ای، روش امر به معروف و نهی از منکر.

در تعلیم و تربیت اسلامی، افراد به نگرش دقیق در نظام آفرینش تشویق می‌شوند. می‌توان گفت: هر اندازه فرد اطلاعات جامع‌تر و کامل‌تر در باب جهان و پیرامون آن داشته باشد، بیشتر به نظم جهان و هماهنگی موجود در آن پی می‌برد، و این موضوع که جهان دارای یک خالق بی‌همتاست، بیشتر خود را نمایان می‌سازد. در تربیت اسلامی انسان بعد از تفکر در نظام آفرینش، به شناخت آفرینش انسان دعوت می‌شود. خداوند از مسلمانان می‌خواهد که پیرامون این مسئله به تحقیق و مطالعه و بررسی بپردازند، و در سوره‌ی طارق، «آیه‌ی ۵ تا ۱۰» و همچنین سوره‌ی حج، «آیه‌ی ۵» این موضوع را بیان نموده است.

بحث و نتیجه گیری

باید این موضوع را بسیار مهم پنداشت که تربیت درست و مطابق با اهداف جامعه کمک شایانی در رسیدن به اهداف مدنظر خواهد کرد، در غیر این صورت ممکن است که جامعه را به سمت وسوی خلاف جهت‌های خود کشد و این باعث ناهماهنگی‌های بسیاری در جامعه خواهد شد. به جرات می‌توان گفت که تربیت اسلامی بالاترین نوع تربیت است، و اگر بتوان تا حد امکان به آموزه‌های آن عمل کرد، زندگی انسان دارای نظم و هماهنگی بی‌نظیری خواهد شد. در نظام تربیتی اسلام تمامی مطالب و مباحث با یکدیگر همخوانی و هماهنگی بی‌نظیری دارند، و تکامل کننده یکدیگر هستند. که این موضوع باعث نظم خاصی در زندگی خواهد شد و فرد را به موفقیت خواهد رسید.

در راه تربیت باید صبر پیشه کرد و از راه‌ها و عوامل بسیاری مدد گرفت تا بتوان به خوبی به نتیجه رسید.

به جرات می‌توان گفت تربیت اسلامی بالاترین نوع تربیت است.



تدا غلامی، علوم تربیتی، کرمانشاه

۱



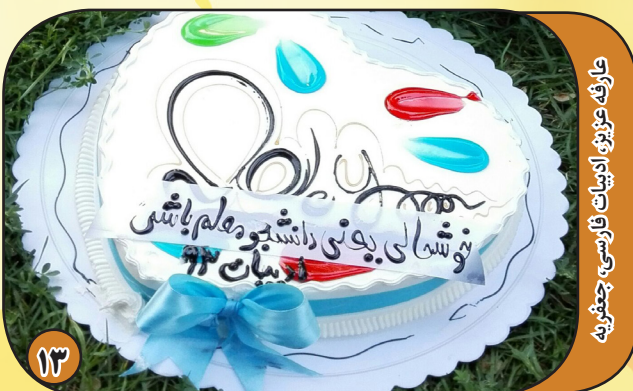
شادیبه اشکری، علوم تربیتی، مریوان

۵



سپیده چاکل، حسینی، علوم تربیتی، مریوان

۹



عارفه عزیز، ادبیات فارسی، جعفریه

۱۳



چهار پروزی، علوم تربیتی، کامیاران

۲



پرواز سیدرایی، علوم تربیتی، دیواندره

۶



آنا جوزی، ارسالی، پرینسا بهمنی، از دیواندره

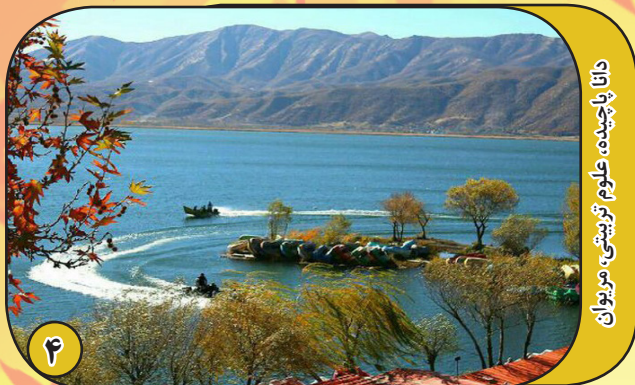
۱۰



اگسائه حجازی، علوم تربیتی، صحنه شیر

۱۶

دوربین شما



دانا پاجنده، علوم تربیتی، مریوان

۲



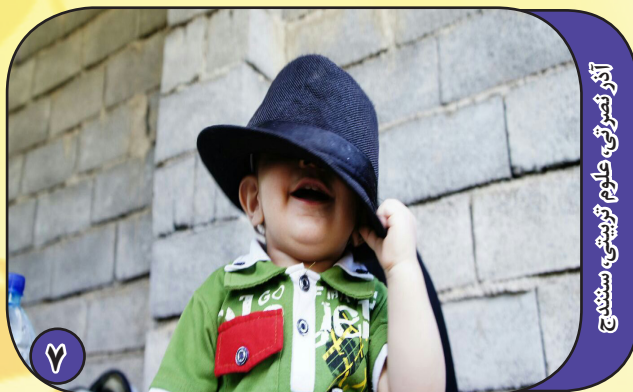
راشد محمدیان، علوم تربیتی، مریوان

۳



پادگار روشناس، علوم تربیتی، مریوان

۸



آذر گفتارتی، علوم تربیتی، سنندج

۷



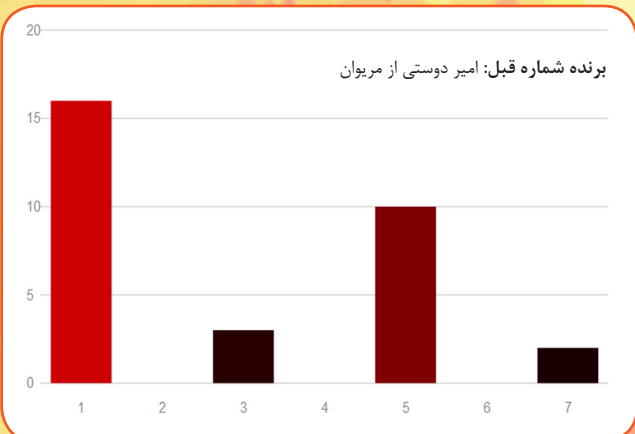
زهرا محمدی، علوم تربیتی، بناب

۱۲



فاطمه رحیمی، علوم تربیتی، دشتیرون

۱۱



فاطمه صدقی، ادبیات فارسی، قم

۱۵

شما کدام یک از عکس‌ها را بیشتر می‌پسندید؟

لطفاً فقط عدد گزینه مورد نظر خود را از طریق پیامک به شماره ۵۰۰۰۵۴۱۰۳۵ ارسال نمایید.
به چند نفر از شرکت کنندگان در این نظرسنجی هدایایی اهدا خواهد شد.

زندگی کودکان با طعم رویای رنگی

* نگین وکیلی

کارشناسی گرافیک از دانشگاه سوره تهران و مدیر آموزشگاه هنرهای تجسمی رویای رنگی

آرام کردن و ساکت کردن هیجانات کودک متأسفانه او را با فضاهای مجازی آشنا کرده و او را تشویق به اجرای خلاقیت در فضای مجازی می‌کند، در صورتی که فضای واقعی و حقیقی، خلاقیت کودک را به صورت ملموس بالا می‌برد؛ به عنوان مثال، کلاس‌های نقاشی، کاردستی خلاق، سفالگری، عروسک‌سازی، قصه‌گویی و تئاتر از این دسته‌اند، چرا که آن‌ها خود را در آن محیط تطبیق داده و نقاط ضعف کاری و نقاط

قوت خود را درک کرده و عملکرد فکری خود را در فضای واقعی دآوری می‌کنند و از آموزش‌های رفتاری مربی الگوبرداری کرده و این نوع آموزش می‌تواند در آینده، برای کودک نوعی کارآفرینی و خودباوری ایجاد کند.

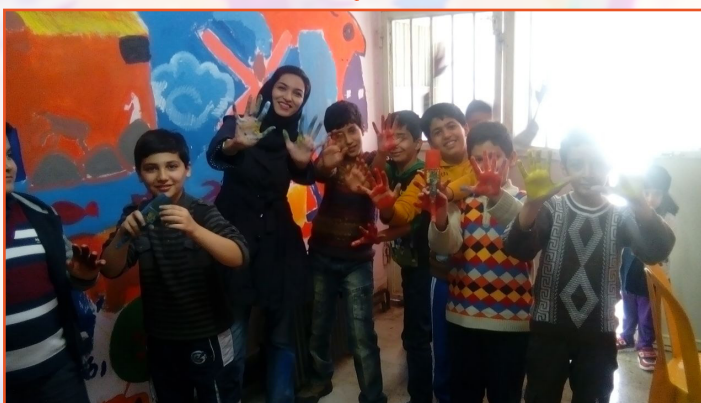
کودک‌دانی که در فضای واقعی هنرنمایی و خلاقیت ایجاد می‌کنند، از اعتماد به نفس بالا و قدرت بیان زیبا و خودباوری مفیدی برخوردارند. در



کشور ژاپن، برای کودکان بازی‌های محلی و بومی در مدارس و حتی دانشگاه‌ها آموزش داده می‌شود، به گونه‌ای که مربیان و والدین، کودکان را در این بازی‌ها شرکت داده تا والدین هم نقش مفیدی در فضای مهیج و شادی آفرین که آنها فراهم کرده‌اند نقش‌آفرینی کرده باشند.

اکثر بازی‌های کامپیوتری توسط شرکت‌های ژاپنی، آلمان و فرانسه طراحی شده، اما این بازی‌ها را به گونه‌ای در اختیار کودکان قرار می‌دهند که با برنامه‌ای خاص و مطلوب و ساعات باز کودکان را تنظیم شده و برای هر سنی بازی‌های کامپیوتری براساس سن و نوع خوراک فکری او تعریف شده است. در ایران، بدلیل نبود حق نشر و کپی رایت اکثر بازی‌ها، بدون هیچ گونه فیلترینگ برای کودکان در هر سنی

داندود شده و در اختیار کودکان قرار داده شده، متأسفانه نبود شناخت و سواد والدین نسبت به فضای مجازی باعث شده هیچ نظارت و مدیریتی نسبت به رفتار کودکان و نوجوانان نداشته باشد. غافل از اینکه کودکان در فضای مسموم و ناشناخته‌ی مجازی دست و پنجه نرم می‌کنند و تمامی رفتارها علایق و خلاقیت خود را از دست



می‌دهند.

در پایان از والدین و مربیان گرامی خواهش می‌کنم که کودکان را با بازی‌های واقعی و فضای واقعی که ذهن کودک را فعال می‌کند مانند کلاس‌های نقاشی و سفالگری و ... آشنا کرده تا سرزمینی خلاق و توانمند با افکاری جوان داشته باشیم.

از طرف دیگر مراکز آموزشی باید بصورت رایگان والدین را به آموزش فضای کامپیوتری و مجازی دعوت کرده، تا مدیریتی خاص نسبت به رفتار کودکان در کانون گرم خود داشته باشند.

بازی‌های رایانه‌ای در فضای مجازی برای کودکان ایجاد آشفته‌گی روانی و روحی می‌کند. بازی‌ها با فرم‌ها و رنگ‌های زیبا طراحی شده، که کودکان را مشتاق‌تر و علاقه‌مندتر نسبت به فضای تعریف شده می‌کند. خارج از فضای سرگرمی که برای آنها بوجود می‌آید، باعث عادت منفی و اعتیاد مداوم می‌شود. فضای مجازی و بازی‌های کامپیوتری به کودکان اعتماد به نفس کاذب داده و به آنها باور غلط انتقال می‌دهد؛ به گونه‌ای که

با فضای واقعی نمی‌توانند ارتباط برقرار کنند و در روابط اجتماعی کند عمل می‌کنند، قدرت بیان آنها پایین آمده و در کارهای دسته‌جمعی و گروهی علاقه نشان نمی‌دهند، تحرک فیزیکی و بدنی آن‌ها نزول پیدا کرده و اکثراً بنا به نادرست بودن تنظیمات برنامه تربیتی کودک، دچار چاقی مفرط و سوء تغذیه می‌شوند. متأسفانه جدیداً والدین با حضور تبلت و فضای

مجازی و بازی‌های کامپیوتری، موافق‌اند که کودکانشان را با فضای مسموم مجازی سرگرم کنند؛ در صورتی که غافل از این موضوع هستند که کودکانشان را با فضای پر از توهم و دروغ هماهنگ می‌کنند. سکوت و آرامش و یکجانشینی کودک در پای این بازی‌ها دلیل به سلامت روان و تربیت فکری و اجتماعی کودک نیست؛ بلکه او را در محیطی به ظاهر رنگارنگ عادت داده اما نوع فعالیت و هنجارهای اجتماعی او را در قالب خاکستری رنگ و پر از استرس جای داده‌اند.

بازی‌های کامپیوتری، مخصوصاً بازی‌های خشن و پرهیجان، به دلیل سه‌بعدی بودن و فضای واقعی که در آن بازی‌ها طراحی شده، کودک خود را در آن فضا فرض کرده و با شخصیت‌های واقع در بازی

همزادپنداری می‌کند، بعد از اتمام آن بازی‌ها، کودک رفتارها و صداهای خشن و عصبی از خود نشان داده چرا که فضای واقعی زندگی خود را در قالب بازی‌های کامپیوتری دیده و خود و هم‌بازی‌هایش را نقش اول بازی‌ها فرض می‌کند.

بیش از حد چشم کودک بر روی مانیتور، ایجاد بیماری‌های چشمی کرده مانند: خشکی

مجرای اشکی، سفت شدن عضلات چشم و پیشانی، آستیگماتیسم و تبیلی چشم می‌شود. به مرور زمان حرکت‌های مهیج آن بازی‌ها، ایجاد تیک عصبی و لکنت زبان می‌شود؛ چرا که کودک در فضای واقعی با اطرافیان خود محاوره ندارد و این فضا برای کودکان کمتر از پنج سال، ایجاد نقص گفتار و اختلال بیان می‌کند.

متأسفانه با حضور این فضا، اثر والدین و مربیان که خود درگیر فضای مجازی شده‌اند درحالی‌که غافل‌اند از اینکه رفتارهای آن‌ها در منزل، در مکان تربیتی الگویی برای رفتار کودکان است. به‌طوری‌که برای

کودک‌دانی که در فضای واقعی هنرنمایی و خلاقیت ایجاد می‌کنند از اعتماد به نفس بالا و قدرت بیان زیبا و خودباوری مفیدی برخوردارند.

درآمدی بر آسیب شناسی نهادهای آموزشی در ایران لزوم توجه به نقش و جایگاه آموزش و پرورش در توسعه



* رشید احمدرش
دکترای جامعه شناسی

۱- بحث پیرامون توسعه یا توسعه نیافتگی در میان سایر مباحث علوم اجتماعی بطور کل، و نیز مباحث مربوط به ادبیات توسعه، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چراکه بیشتر نظریات توسعه به نوعی تلاش کرده‌اند تا جوابی شایسته و درخور برای این پرسش بیابند که چرا برخی از کشورها و جوامع توسعه یافته‌اند و در همان حال عده‌ای بی‌شمار دیگری از مزایای توسعه یافتگی، علی‌رغم امکانات و پتانسیل‌های عظیم مادی و معنوی، محروم مانده و یا دست‌کم به جایگاه شایسته و درخوری در زمینه توسعه نرسیده‌اند؟

۲- معمولاً در بحث‌های تئوریک مربوط به توسعه، از دو مکتب یا رویکرد کلان و در عین حال مجزا صحبت می‌شود: وابستگی (Dependence theories)، نوسازی (Modernization theories) هر یک از این مکاتب علل و عوامل توسعه یا توسعه نیافتگی را به عوامل متفاوتی نسبت می‌دهند. پیروان مکتب وابستگی که بیشتر مارکسیستی است، معتقدند که توسعه نیافتگی، محصول مسایل درونی جامعه نیست؛ بلکه نتیجه عوامل بیرونی جامعه از جمله؛ ارتباط تاریخی جوامع حاشیه‌ای یا اقلار با کشورهای توسعه یافته یا متروپل می‌باشد که طی آن مازاد اقتصادی جهان سوم به جای آنکه در داخل آن جوامع سرمایه گذاری شود، به جوامع توسعه یافته منتقل می‌گردد. نتیجه این رابطه نابرابر که مواردی نظیر فروش یک واحد تولیدی، مونتاژ و احتمالاً آلاینده یا جنگ افزارها و تولیدات از رده خارج شده و زبان آور را شامل می‌شود؛ همگی باعث انباشت سرمایه در جوامع توسعه یافته و عدم توسعه جوامع جهان سومی و به تعبیری توسعه هرچه بیشتر توسعه نیافتگی در این قبیل از جوامع می‌گردد. در مقابل رویکرد، نظریات نوسازی و به ویژه مطالعات نوین نوسازی قرار دارد، که در پی تبیین موانع درونی و داخلی در کشورهای جهان سوم می‌باشد. به تعبیری این نظریه معتقد است، که باید ساختارهای درونی و داخلی جوامع را آماده و مستعد پذیرش پویای نوسازی سازیم. طرفداران این دیدگاه عناصری چون: خردورزی و عقل گرایی، علم باوری، نظم، مشارکت، دنیاگرایی، چشم پوشی از منافع آنی، محاسبه گر بودن و ... را خمیرمایه‌های اساسی توسعه و نوسازی می‌دانند. (از کیا، ۱۳۷۷) به دیگر سخن، نظریات وابستگی را می‌توان سخت افزاری و دگر محور و نظریات نوسازی را نیز نرم افزاری و درون محور نامید. از دید طرفداران وابستگی تکنولوژی درمان توسعه نیافتگی و عامل توسعه و از دید طرفداران نوسازی انسان، فکر و اندیشه عامل توسعه و داروی توسعه نیافتگی است.

۳- بر اساس آنچه که گفته شد معتقدم، عمده ترین نهادی که می‌تواند بستر و زمینه‌های نرم افزاری توسعه را فراهم نماید، آموزش و پرورش می‌باشد. چرا که آموزش و پرورش در درجه اول، مهارت‌ها، نگرش‌ها و ایستارهای لازم

را برای رشد و توسعه همه جانبه و پایدار ایجاد نموده و در درجه دوم قابلیت‌های لازم را برای سازگاری و انعطاف در برابر رویکردهای جدید و تغییرات تکنولوژیکی، اجتماعی و فرهنگی را فراهم می‌سازد. نقش تعلیم و تربیت در هر جامعه دموکراتیک، این است که تمامی اعضای آن جامعه را برای استفاده کامل از توانایی‌های خود به عنوان یک انسان، در جهت کمک به حیات جامعه بسیج نماید. برای نیل به این هدف، تعلیم و تربیت به عنوان یک فرایند توسعه‌ای بایستی ذهن انسان را از نادانی و تعصب خشک رها سازد. (یونسکو، ۱۳۸۱)



۴- برای اینکه نهاد آموزش و پرورش و سایر نهادهای آموزشی نظیر دانشگاه‌ها بتوانند راهبری اجتماعی _ فرهنگی جامعه را برای گذار از سنت به مدرنیته به عهده گیرند، تا جامعه با هزینه‌های بسیار کمتری این مرحله گذار را طی نماید، باید در طی فرایند آموزش، روحیه نقادی، ایجاد سوال و احساس مسئولیت و تعهد شهروندی را در ورودی‌های این نهاد به وجود آوریم. بدیهی است که بدون ایجاد پیوند، بین تئوری و عمل از یک طرف، و از طرف دیگر کاهش و حذف تابوهای متعدد اجتماعی _ فرهنگی که در راه ایجاد انسان نو، نقاد و پرسشگر که خود، جامعه و طبیعت را به چالشی جدی بطلبد، این امر تقریباً غیرممکن می‌نماید. بدون تلاش برای برداشتن موانع سر راه اندیشه و تفکر کنشگران خلاق اجتماع تا همه کودکانی که خودخواسته و دگرخواسته را به کنار نهند و این امر نیز به نوبه خود مستلزم ایجاد فرهنگی رقابتی و دانایی محور و تقسیم مزایا و مناصب اجتماعی سه گانه (قدرت، ثروت و منزلت) بر حسب اکتساب و نه انتساب، دشوار و غیرممکن می‌نماید. معتقدم که هرگونه تلاش غیرعلمی و بخشنامه‌ای که در صدد خوانشی محافظه کارانه، روبنایانه و سطحی و غیر علمی کمکی به حفظ و بقای مهم ترین نهاد اجتماعی درگیر در پروسه جامعه پذیری افراد نمی‌نماید. بر این باور جامعه شناسی‌ام که در ایران کارکردهای پنهان این نهاد اجتماعی بر کارکردهای آشکار آن پیشی گرفته است، لذا مانند بسیاری از پدیده‌های مدرن دیگر نظیر تجویز انواع داروها که عوارض جانبی آنها بر خاصیت دارویشان می‌چربد، نهادهای آموزشی نظیر دانشگاه‌ها کارکردهایی مانند: دور نگه داشتن نیروی جوان از بازار کار، تشکیل خانواده، کسب مدرک و ... که گاه انگیزه‌های مالی و اقتصادی در پشت پرده علم آموزی کمین کرده، اهمیتی

عمده ترین
نهادی که
می‌تواند بستر
و زمینه‌های
نرم افزاری
توسعه را
فراهم نماید،
آموزش
و پرورش
می‌باشد.

نقش تعلیم
و تربیت در
هر جامعه
دموکراتیک،
این است
که تمامی
اعضای
آن جامعه
را برای
استفاده
کامل از
توانایی‌های
خود به
عنوان یک
انسان در
جهت کمک
به حیات
جامعه بسیج
نماید.

روزافزون یافته است. همانطور که در بخش تئوریک مقاله به آن اشاره شد، در شرایط حاکمیت الگوهای توسعه سخت‌افزاری و تکنولوژی محور امکان هیچ‌گونه تحول بنیادی در جامعه وجود نخواهد داشت. تنها در صورت حاکمیت و رواج ایده‌های انسان‌محورانه و نرم‌افزاری به توسعه که در آن انسان هم عامل و هم هدف توسعه باشد، می‌توان شاهد این بود که رشد نهادهای آموزشی و علمی زمینه‌ساز مشارکت بیشتر مردم در تحولات اجتماعی و اقتصادی و نیز ایجاد نوعی تحرک ذهنی

و به قول مک‌کلند گسترش ویروس ذهنی نیاز به پیشرفت، در مردم ایجاد نماید. همه این عوامل در نهایت مستلزم پذیرش این ایده و باور اساسی از سوی مردم و مسولان است که سرمایه‌گذاری برای آموزش و تربیت انسان به اندازه و حتی بیش از سرمایه‌گذاری برای ساختن ماشین و ابزار ارزش و اعتبار دارد. ۵- از این رو معتقدم که اگر بناست جامعه

کودک‌دانی که در فضای واقعی هنرنمایی و خلاقیت ایجاد می‌کنند از اعتماد به نفس بالا و قدرت بیان زیبا و خودباوری مفیدی برخوردارند.



گفتگوی سازنده اقشار مختلف اجتماعی، همزیستی و همفکری، مشارکت فردی و گروهی، قانون‌گرایی و مهارت‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی بهترین و مناسب‌ترین ارگان، آموزش و پرورش می‌باشد. لذا در صورت داشتن آموزش و پرورشی کارا و پویا هزینه‌هایی را که جامعه بابت ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی نظیر: جرم و جنایت، اعتیاد، ایدز، انواع انحرافات، انواع بیماری‌های فیزیکی و روانی مانند افسردگی، اضطراب (برای مثال، استرس وارده بر جوانان و خانواده‌هایشان به هنگام

امتحانات کلاسی و بویژه کنکور که بررسی همه‌جانبه آنها مستلزم مطالعات زیادی است)، هزینه‌های مشاوره و راهنمایی و ... می‌پردازد و امکان کاهش آنها وجود دارد، همه و همه می‌بایست در خدمت پیشرفت هر چه بیشتر آموزش و پرورش سرمایه‌گذاری شود. لذا با خردورزی و صعه صدر بیشتر و تلاش صادقانه جهت «جذب افراد

نخبه در این حوزه انسان‌ساز فرصت‌های تحقیق و پژوهش و واکاوی نیازهای واقعی را بدنبال خواهد داشت و با گذشت اندک زمانی سازکارهایی شکل خواهد گرفت که می‌تواند در نهایت این موتور محرکه توسعه و جامعه را به حرکت درآورد و خروجی‌های مناسب آن نیز خواهند توانست نیازهای بخش‌های اساسی یعنی: فرهنگ، اقتصاد، تولید، پژوهش و نوآوری را برآورده نماید». متأسفانه دیدگاه برخی مسئولین از گذشته تاکنون در مورد نقش و جایگاه آموزش و پرورش دیدگاه مثبت و سازنده‌ای نیست تا آنجا که برخی از آنان وزارت آموزش و پرورش را یک مصرف‌کننده صرف و عیال‌وار دانسته که مقادیر قابل توجهی از بودجه مملکت را می‌بلعد و سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش را کاری بی‌هوده می‌دانند. این درحالی است که می‌دانیم دیدگاه جوامع توسعه یافته در مورد آموزش و پرورش این‌گونه نیست. بنابراین هرچه درک و اهمیت آموزش و پرورش از دید مردم و مسئولین بالا رود میزان سرمایه‌گذاری و توجه به آن نیز بالا می‌رود. به امید آن که آموزش و پرورش جایگاه واقعی خود را در جامعه پیدا کند. چرا که به حق گفته‌اند: «بعد از نان، آموزش و پرورش نخستین نیاز ملت‌هاست».

در حال گذار ایران به سلامت از تغییرات اجتماعی گذر کند، شایسته است که آموزش و پرورش سهم بیشتری را در قبال جامعه به عهده گیرد. لذا بایستی آموزش و پرورش خود را از قید و بندهای آموزشی و مناسبات سنتی رها ساخته و به منزله بازوی روشنفکری جامعه، زمینه‌های شکل‌گیری آموزش و پرورشی انسان‌گرا، رهایی‌بخش، مقوم توسعه و دموکراتیک را فراهم نماید (شایگان، ۱۳۸۴). امروزه مطالعات و تجربیات جوامع پیشرفته و مدرن همگی مویید این نکته است که توسعه پایدار و همه‌جانبه الزاماً باید از بستر نیروی انسانی بگذرد و پیش شرط توفیق، تثبیت و تداوم هرگونه توسعه و تحولی، سرمایه‌گذاری در توسعه انسانی به منزله رکن و هسته اصلی و محوری آن می‌باشد. لذا سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش باید نوعی سرمایه‌گذاری بنیادی و بلند مدت باشد و نه صرفاً اقتصادی و کوتاه‌مدت و مبتنی بر منافع قلیل‌انی و کوتاه مدت.

۶- بر این باورم که اگر قایل به اتخاذ رویکردی علمی و جامعه‌شناختی به مطالعه نهاد آموزش و پرورش باشیم، برای تمرین و نهادینه کردن ارزش‌هایی مانند: آزادی، عدالت، علم‌باوری و انسان‌دوستی، مدارای فرهنگی و مذهبی، تعامل و





ایـدز ! یا نشانگان نقص ایمنی اکتسابی



* **عمادالدین عزت پور**
دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

روز جهانی ایدز

از سال ۱۹۸۸ به منظور افزایش بودجه‌ها و همچنین افزایش آگاهی، آموزش و مبارزه با تبعیض‌ها روز اول دسامبر هر سال به عنوان روز جهانی ایدز نام‌گذاری شد و هر ساله برای این روز، شعار خاصی نیز در نظر گرفته می‌شود، هدف عمده از این کار این است که به عموم مردم یادآوری شود که HIV از بین نرفته است و هنوز کارهای زیادی است که باید انجام شود. در روز جهانی ایدز مردم لباس‌هایی مزین به روبان قرمز بر تن می‌کنند تا توجه و مراقبت در برابر HIV و ایدز را متذکر شده و به دیگران یادآور شوند که به تعهد و پایداری و حمایت آنها مورد نیاز است.

شعار جهانی سال ۲۰۱۶

مهار همه‌گیری اچ آی وی / ایدز
با اطلاع‌رسانی، پیشگیری، تشخیص زودهنگام، درمان و حمایت از مبتلایان

امروزه ایدز در کشورهای در حال توسعه به سرعت در حال گسترش است که تأثیر برجسته‌ای بر سلامت و توسعه اجتماعی - اقتصادی این کشورها گذاشته است و شیوع عفونت HIV در بالغین جوان آنها به حد خطرناکی افزایش یافته است.

علیرغم گذشت بیش از ۳ دهه از شیوع این بیماری، گروهی عظیم از جوانان درباره مسایل جنسی و عفونت‌های منتقله از طریق تماس جنسی همچنان بی‌اطلاع هستند یا اینکه اکثریت آنان درباره بیماری ایدز چیزهایی شنیده‌اند بسیاری از ایشان نمی‌دانند این بیماری چگونه شیوع می‌یابد و هرگز باور ندارند که خودشان هم در معرض خطر هستند آن عده از جوانان نیز که درباره عفونت HIV چیزهایی می‌دانند به دلیل عدم مهارت نبود حمایت و فقدان امکانات لازم برای

انجام رفتارهای صحیح اکثراً از خود در مقابل عفونت HIV مراقبت نمی‌کنند متأسفانه قسمت عمده‌ای از ابتلای به این بیماری ناشی از نداشتن اطلاعات ضروری و آگاهی پایین گروه‌های مختلف مردم در مورد راه‌های انتقال و پیشگیری این بیماری است که با اطلاع‌رسانی صحیح و گسترده و به‌دنبال آن پرهیز از انجام رفتارهای (مخاطره آمیز) نسل جوان کشور از چنگال این بیماری ایمن خواهد ماند. باید پذیرفت که مبارزه با ایدز یک تعهد اجتماعی است و تک تک افراد جامعه باید در این مبارزه بزرگ سهیم باشند تا با فعالیت مشترک امکانات موجود را بسط داده و از گسترش ایدز جلوگیری نماییم هرگونه کوتاهی و از دست دادن فرصتی برای مبارزه با این بیماری عواقب ناخوشایندی را در پی خواهد داشت. از آنجا که تاکنون واکسن و یا علاج قطعی برای این بیماری کشف نشده‌است. هرچند تشخیص سریع و درمان امید به زندگی را خیلی افزایش می‌دهد اما مهم‌ترین راه مبارزه با این بیماری پیشگیری و آموزش است.

باید به خاطر داشت که ایدز مرز نمی‌شناسد و هر فردی زن یا مرد، جوان یا پیر، از هر کشوری، هر مذهبی و هر شغلی می‌تواند به ویروس ایدز آلوده شود.

لازم به ذکر می‌باشد که تشخیص ایدز با آزمایش خون امکان پذیر است. در هر شهرستان یک مرکز یا پایگاه مشاوره بیماری‌های رفتاری جهت مشاوره، آزمایش و مراقبت و درمان ایدز موجود است. اقدامات این مراکز رایگان و محرمانه است.

منابع

- ۱- سایت سازمان جهانی بهداشت www.who.int
- ۲- دستورالعمل‌های کشوری کنترل ایدز.
- ۳- راهنمای اچ آی وی برای متخصصان بهداشت و علوم پزشکی، ریچارد دی موما.



آسیب‌شناسی معضل طلاق در گفت و گو با دکتر مسعود بیننده

(دکترای جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان کردستان و سردبیر فصلنامه‌ی تحلیلی پژوهشی زیربار)

تهیه و تنظیم: شهاب نصیری نیا، دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی



«امروزه شاهد افزایش آمار طلاق در ایران و به‌ویژه در کردستان هستیم، به‌گونه‌ای که کارشناسان از زوال و نابودی خانواده‌سختن به میان می‌آورند. به نظر شما این موضوع تا چه اندازه صحت دارد و آیا پدیده‌ی طلاق به مرحله‌ی بحران رسیده است؟»

آمار طلاق در ایران در ده سال گذشته افزایش چشمگیری داشته است و بدون شک این روند صعودی نرخ طلاق مرهون جریان پرشتاب تغییرات فرهنگی و اجتماعی است. این آمار در مقایسه با کشورهای اروپایی و آمریکایی هنوز بسیار پایین است؛ به‌طوری‌که برخی از طبیعی بودن وضعیت طلاق در ایران سخن می‌گویند و نگرانی‌ها را بیشتر معلول روند رو به رشد آن در مقایسه با گذشته می‌دانند. جامعه‌شناسان به این پدیده در همه‌ی حالت‌ها به شکل آسیب نمی‌نگرند بلکه وضعیتی که در چارچوب آن طلاق تبدیل به مسأله‌ای اجتماعی شده و بنا به تعریف در چهار مشخصه‌ی اظهار و بیان، فراوانی نامتعارف، مشکل‌زا بودن و نیاز به اقدام بروز می‌نماید را در هیأت آسیب بررسی می‌نمایند. افزایش طلاق در ایران بر اساس آمارهای موجود نسبت به وضعیت پیشین خود تبدیل به یک نوع شبه مسأله شده است، شبه مسأله از این نظر که اولاً هنوز بنیان خانواده مستحکم است و بیشتر طلاق‌ها منجر به ازدواج بعدی می‌شود. ثانیاً ما آمار واقعی و شفافی را در اختیار نداریم تا بر اساس آن بر سونامی بودن پدیده‌ی طلاق یا طبیعی بودن آن نظر دهیم. و این نه تنها در مورد طلاق بلکه در مورد همه‌ی آسیب‌های اجتماعی دیگر از قبیل اعتیاد و ایدز و حتی پدیده کشتار تصادفات جاده‌ای نیز صدق می‌کند.

«همان‌گونه که مستحضری از پدیده‌ای به نام طلاق خاموش یا طلاق عاطفی سخن به میان آمده است. این نوع طلاق چه پیامدهایی برای بنیان خانواده و به‌ویژه سرنوشت فرزندان دارد؟»

طلاق انواعی دارد که یکی از انواع شایع آن طلاق عاطفی (Affective divorce) است. در این نوع طلاق که گاهی طلاق خاموش یا سفید نیز به آن گفته می‌شود رابط عاطفی و جنسی تقریباً قطع شده و زوجین به خاطر آبروهراسی و یا سرنوشت فرزندان به زندگی به شکل فرمال ولی فارغ از استلزامات رابطه‌ی زناشویی ادامه می‌دهند. در تقسیم‌بندی‌ها انواع طلاق را در این رابطه به طلاق ثبتی بدون فرزند، طلاق ثبتی با فرزند، طلاق عاطفی بدون فرزند و طلاق عاطفی با فرزند طبقه‌بندی می‌کنند. همچنین در برشمردن آسیب‌های هر کدام به طلاق ثبتی بدون فرزند به عنوان الگویی که متضمن کمترین نوع آسیب است اشاره نموده و الگوی طلاق ثبتی با فرزند را دارنده‌ی بیشترین پیامد آسیب‌زا تلقی می‌نمایند. در مورد اول مناقشه‌ی چندانی وجود ندارد و همه‌ی کارشناسان آسیب‌های اجتماعی بر جدایی مدل ثبتی بدون فرزند در صورت جدایی عاطفی به عنوان آخرین راه‌حل اشاره دارند اما در مورد دوم نظرها چندان یکسان نیست. برخی بر این نظرند چون پای بچه و سرنوشت او در میان است، خانواده به هر قیمتی و لو با انقطاع عاطفی پدر و مادر باید برقرار بماند، مخالفان این دیدگاه بر آسیب خانواده‌های متشتت و پرتضاد اشاره نموده و تأثیر منفی آن را بر کودکان بیشتر از خود پدیده‌ی جدایی برمی‌شمارند. در هر صورت طلاق عاطفی پدیده‌ی شایعی است که سرنوشت آن در میان طبقات و گروه‌های مختلف متفاوت است. مثلاً طبقات متوسط به بالا اگر این پدیده را تجربه کنند با تحقق جدایی و یا تمهیدات دیگری بهتر می‌توانند از آسیب‌های آن بکاهند اما طبقات پایین مجبور به سرکردن با پیامدها و شرایط آن هستند و در مواردی با پدیده‌هایی از قبیل خودکشی و انواع خشونت‌ها مواجه می‌شوند.

«گاهی اوقات افراد وضعیت زندگی متأهلی و روابط مسئولیت‌زای زناشویی را با روابط مجردی و فراغت بال آن دوران مقایسه می‌نمایند. به نظر شما اینگونه مقایسه‌ها تا چه حد واقعی بوده و چه پیامدهایی بر نگرش و انتظارات طرفین دارد؟»

بدون شک هر انسانی در هر مرحله‌ای از زندگی به مقایسه دست می‌یازد، و نمی‌توانیم بگوییم مقایسه نکنید، هر کسی خودآگاه یا ناخودآگاه در مورد وضعیت زندگی خود در هر زمینه‌ای دست به مقایسه، سنجش، ارزیابی و در نهایت ارزشیابی می‌زند و این کار فی‌نفسه نه تنها مشکل‌ساز نیست بلکه موجب ایجاد آگاهی و شناخت می‌شود. اینگونه مقایسه‌ها زمانی مشکل‌ساز می‌شود که بدون در نظر گرفتن زمینه و شرایط فرهنگی و تاریخی و ... باشد. مثلاً مسئولیت و پاسخگوبودن فرد متأهل طبیعتاً بیشتر از فرد مجرد است، اگر

کسی این مقایسه را بدون زمینه‌ها و استلزامات خانواده و وجود دیگری در زندگی خود انجام دهد شاید احساس خسران و عدم رضایت به او دست دهد. مقایسه زندگی خود در همه‌ی زمینه‌ها با زندگی دیگران و همچنین با وضعیت پیشین خود باید آگاهانه و بر اساس تفاوت‌های حساس و متغیرهای متعدد صورت گیرد چراکه در غیر این صورت همه‌ی انسانها احساس عدم خوشبختی و ناامیدی خواهند کرد. و دست آخر باید بگوییم که خود این نوع مقایسه عاملی اصلی در طلاق نیست بلکه معلول پدیده‌های دیگری است و همراه با مسایل دیگری فعال و اثرگذار خواهد شد.

«کسانی همچون «اینگلهارت» و «گیدنز» معتقدند زندگی متلاطم و ناآرام دربردارنده‌ی آسیب‌ها و پیامدهای مخرب بیشتری نسبت به طلاق می‌باشد؛ چنانچه اینگلهارت از طلاق به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه‌ی فرهنگی نام می‌برد. به نظر شما این دیدگاه تا چه حد واقعیت‌های جامعه‌ی ایران و کردستان را منعکس می‌کند؟»

این سوال همواره مطرح بوده است که آیا طلاق معضل است یا راه‌حل؟ اگر به همه‌ی فرهنگ‌ها نگاهی گذرا ببیندازیم هرچند طلاق را تا حدودی مذموم پنداشته‌اند اما همواره آن را به عنوان حداقل یک راه‌حل نهایی تصور شده‌اند. در دوران گذشته که نهاد خانواده و ازدواج با باورها و هنجارهای ویژه‌ای همراه بوده و شکستن این هنجارها مشکل‌تر و اساساً نوعی تقدس‌زدایی محسوب می‌شد، طلاق پیامدهای آسیب‌زای بیشتری به همراه داشت. اما امروزه با توسعه‌ی عقلانیت و تقدس‌زدایی از بیشتر امور، می‌توان گفت که قبح طلاق کاهش یافته و نگاه به آن تا حد زیادی تغییر یافته است. امروزه جامعه‌شناسان، روانشناسان و کارشناسان مشاوره‌ای و بهزیستی به تحلیل و بررسی امور مربوط به خانواده و همچنین طلاق می‌پردازند لذا نگاه آن‌ها برخلاف نگاه هنجارمند سنتی نگاهی علمی و آسیب‌شناسانه است و به همین خاطر طلاق و ابعاد مختلف آن را فارغ از ارزش‌های پیش‌داورانه و ناندیشیده، بلکه با هدف ترمیم و حفظ روابط اجتماعی با حداقل آسیب می‌نگرند. همچنان‌که اشاره کردیم اگر ازدواجی باعث تشتت بیشتر در روابط اجتماعی و فعال‌کردن تضادهای آشتی‌ناپذیر شود چه بهتر طلاق در جهت نفی این‌گونه روابط ضداجتماعی بکارگرفته شده و باعث خلق روابط اجتماعی بهتری در قالب ازدواج مجدد و یا جایگزین‌های دیگر گردد.

«رواج شکل‌های جدید از ازدواج همچون ازدواج سفید و همبایینی را در فضای کنونی جامعه ناشی از چه عواملی می‌دانید؟»

در ازدواج سفید یا ازدواج مدنی که به عنوان

توقع زیاد و خودمحوری که در مواردی به اختلاف و جدایی می‌انجامد شاید از نظر روانشناسی پدیده‌ای فردی و شخصی باشد اما از نظر جامعه‌شناسی معلول عوامل ساختاری دیگری است که لزوماً در ید کنترل فرد نیست.

زندگی زناشویی بدون ازدواج (Cohabitation) نیز شناخته شده است زوجین زیر یک سقف زندگی نموده و تمامی وظایف زناشویی را برعهده می‌گیرند اما این رابطه را از نظر قانونی یا شرعی و عرفی به ثبت نمی‌رسانند. این الگوی جدید خانواده که هم‌باشی و هم‌خوابی نیز نامیده می‌شود معلول تغییر ساختار خانواده در جامعه‌ی پسا صنعتی و تغییر کارکردی خانواده است. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی مهم، لزوماً مثل گذشته دارای کارکردهای فراوان نبوده و شکل آن به مقیاس هسته‌ای، کوچک و سیال تغییر یافته است. در انگلیس بیش از یک سوم ازدواج‌ها و در برخی از کشورهای دیگر صنعتی بیش از نیمی از ازدواج‌ها از این قاعده پیروی نموده و ثبت نمی‌شود. برخی این الگو را الگوی ناپایدار و آن را مقدمه‌ی ازدواج رسمی می‌دانند به طوری که می‌گویند اینگونه ازدواج‌ها با ورود بچه به زندگی و افزایش سن زوجین تبدیل به خانواده‌ی رسمی می‌شوند اما

اما بدون شک در جامعه‌ی ما هم از نظر قانونی و هم از نظر عرفی فاصله‌ی زیادی با این نوع سبک زندگی در پیش داریم.

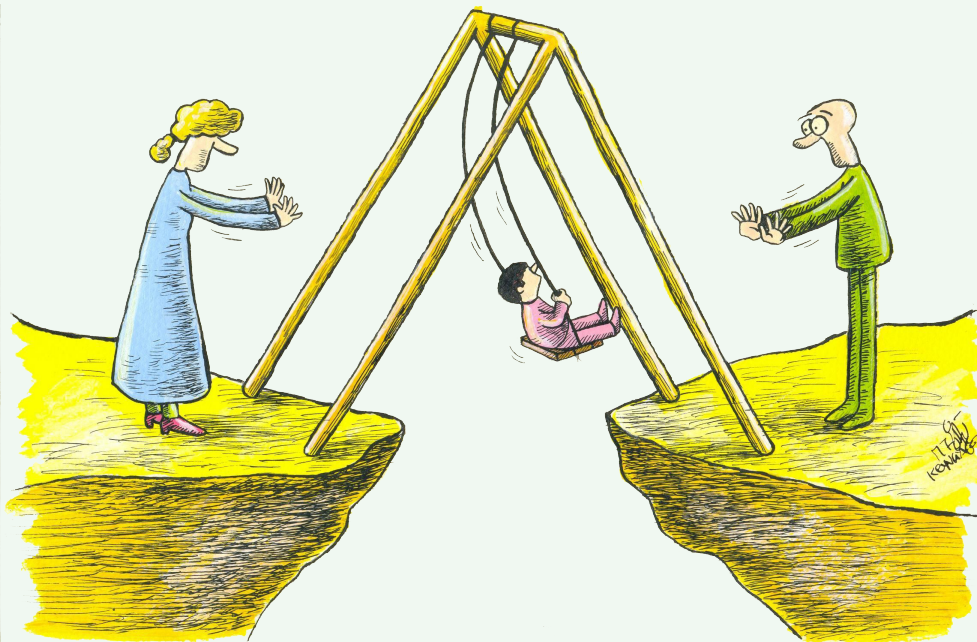
« یکی از مسایل اصلی در پدیده‌ی طلاق عدم تعامل و کنش متقابل و عقلانی بین زوجین و خودمحوری طرفین می‌باشد. چه راهکارهایی برای افزایش تعامل و همگرایی پیشنهاد می‌کنید؟ »

توقع زیاد و خودمحوری که در مواردی به اختلاف و جدایی می‌انجامد شاید از نظر روانشناسی پدیده‌ای فردی و شخصی باشد اما از نظر جامعه‌شناسی معلول عوامل ساختاری دیگری است که لزوماً در ید کنترل فرد نیست. چه شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باعث بروز این رفتارها در افراد می‌شود؟ بدون شک جواب‌ها به این سوال متفاوت می‌باشد و طیفی از عواملی همچون مشکلات اقتصادی، تبعیض‌های جنسیتی، ناکامی‌ها و برآورده نشدن انتظارات را در بر می‌گیرد.

انجامیده و در مواردی به طلاق عاطفی می‌انجامد. البته تیپولوژی و پیامدهای آن در میان طبقات اجتماعی مختلف متفاوت است و در طبقات بالا اینگونه روابط ناپه‌نار تبدیل به نوعی هنجار جدید و سبک زندگی شده است.

« امروزه قبح اجتماعی طلاق برای مردان نسبت به زنان کاهش یافته است به گونه‌ای که هنوز زنان مطلقه با پیشداوری و نگاه منفی جامعه روبرو هستند. این موضوع را در وضعیت کنونی چگونه می‌توان ارزیابی کرد؟ »

بی‌شک آسیب‌های طلاق دامن‌گیر هردو طرف خواهد شد و بنا به گفته‌ی برخی روانشناسان حدود ۲ سال طول خواهد کشید تا فرد مطلقه خود را از اثرات عاطفی و رفتاری جدایی نجات دهد و در مواردی این اثر پایدار خواهد بود. ساخت جامعه‌ی مردسالار طلاق را برای مردان کم‌هزینه‌تر نموده است (نه لزوماً از نظر اقتصادی)، اما زنانی که از رابطه‌ی



پژوهش‌ها نشان می‌دهد که لزوماً چنین نبوده و این الگو خود تبدیل به یکی از اشکال خانواده در جهان مدرن شده است. بدون شک این الگوی نوین باهم‌باشی در بستر فرهنگ و اقتصاد جوامع پسا صنعتی شکل گرفته است و ورود آن به کشوری مثل ایران بر مبنای بسترهای لازم و ضروری این جامعه نمی‌باشد. اما نمی‌توانیم وجود و شیوع این پدیده را نیز نفی نموده و آن را صرفاً ناشی از ورود ارزش‌های منفی تلقی کنیم. در جامعه ایران وجود چنین الگوهایی که در شهرهای بزرگ و به‌ویژه تهران دیده می‌شود ناشی از این واقعیت است که جوانان با توجه به مشکل بیکاری و عدم پشتوانه‌ی اقتصادی و همچنین سنت‌های دست‌وپاگیر توان دست‌یازیدن به ازدواج رسمی را نداشته و به همین دلیل به کم‌هزینه‌ترین نوع ازدواج که مسئولیت چندانی هم به بار نمی‌آورد و در صورت بروز هرگونه مشکل، جدایی به شکلی سهل و آسان صورت می‌پذیرد روی آورده‌اند.

« یکی از عوامل جدی‌ای که منشأ بسیاری از اختلافات بین زوجین است گرایش به روابط خارج از دایره‌ی ازدواج می‌باشد که به عنوان خیانت تلقی می‌گردد. به نظر شما ریشه‌های این پدیده را باید در چه بسترهایی جستجو کنیم؟ »

نهاد خانواده تغییرات جمعیتی، فرهنگی و اقتصادی وسیعی را از سر گذرانده است. تعهد سفت و سخت به ارزش‌های این نهاد دچار دگرگونی شده به طوری که ساختار آن از ازدواج‌محوری به رابطه‌محوری تغییر کرده است. هرگاه انتظارات زوجین از زندگی مشترک برآورده نشود و دلیل کافی هم برای جدایی در میان نباشد امکان دارد پای رابطه‌ی جنسی خارج از زناشویی یا به اصطلاح خیانت به میان آید. این مسأله به نسبت گذشته با سهولت بیشتر و قبح کمتری صورت می‌گیرد. این آسیب اگر هم به طلاق و جدایی نینجامد به کاهش و اختلال روابط عاطفی زناشویی

زناشویی کنار گذاشته می‌شوند روندهایی از محرومیت اجتماعی از قبیل طرد اجتماعی، اختلال در مناسبات اجتماعی، کاهش ارتباط با محیط بیرونی، کاهش امنیت و مواجهه شدن با انگ‌زنی را تجربه خواهند نمود. ساخت فرهنگ زن‌ستیزانه در هر موردی زنان را مقصر برمی‌شمرد لذا در فرجام طلاق نیز قربانی و آسیب‌پذیر اصلی زنان خواهند بود.

« براساس نگرش جامعه‌شناختی آثار و پیامدهای درازمدت طلاق بر فرزندان چه خواهد بود؟ »

فرزندان طلاق طیفی از مشکلات عاطفی، رفتاری، آموزشی و ... را تجربه خواهند نمود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این افراد بیشتر از دیگران در معرض رفتارهای پرخطر، پرخاشگری، اعتیاد، ترک تحصیل، افسردگی، کاهش عزت نفس و توانایی، بدبینی، عدم اعتماد به دیگران و ... قرار می‌گیرند. این کودکان افراد توانمندی برای قبول نقش‌های

توقع زیاد و خودمحوری که در مواردی به اختلاف و جدایی می‌انجامد شاید از نظر روانشناسی پدیده‌ای فردی و شخصی باشد اما از نظر جامعه‌شناسی معلول عوامل ساختاری دیگری است که لزوماً در ید کنترل فرد نیست.

حدود ۲ سال طول خواهد کشید تا فرد مطلقه خود را از اثرات عاطفی و رفتاری جدایی نجات دهد و در مواردی این اثر پایدار خواهد بود.

اجتماعی در آینده نخواهند بود و اگر مکانیزم‌هایی برای کاهش اثر آسیب‌های طلاق بر آنان از طرف دولت و جامعه‌ی مدنی تعیین نگردد پیامدهای آن برای خود قربانیان و دیگران جبران‌ناپذیر خواهد بود. جامعه به انسجام و سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی برای پیشرفت و توسعه نیازمند است و افزایش آسیب‌های اجتماعی در نتیجه‌ی طلاق این روابط و شبکه‌های اجتماعی را مختل نموده و مانعی جدی برای توسعه و تحول ایجاد خواهد نمود.

«خشونت علیه زنان شامل چه رفتارهایی می‌شود؟»

از منظر جامعه‌شناختی خشونت دارای ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بوده که در سطوح ساختاری، سازمانی و فردی تولید و بازتولید می‌شود. بدون شک زمینه‌های ساختاری و سازمانی مهمی از قبیل نقش آژانس‌های جامعه‌پذیری (خانواده، گروه دوستان، مدرسه، رسانه و ...) در یادگیری الگوهای جنسیتی تبعیض‌آمیز و تولید خشونت بر علیه زنان را باید مهم ارزیابی نمود. همچنین تقسیم کار جنسیتی در نظام خانواده و تفکیک نقش جنسیتی در نظام اجتماعی به تثبیت و بازتولید روابط نابرابر سلطه‌گری / سلطه‌پذیری که بر مدار جنسیت شکل گرفته‌اند می‌انجامد. ژئوک خشونت را شامل اشکال سه‌گانه‌ی خشونت فیزیکی فعال (active)، خشونت نمادین (symbolic) و خشونت نظام‌مند (systemic) برمی‌شمارد و معتقد است شکل فعال و قصدمندانه خشونت یعنی خشونت فیزیکی، معمولاً اشکال منفعل و پنهان آن را که در قالب خشونت نمادین و نظام‌مند اعمال می‌شود در سایه گذاشته و آن‌ها را از دید خارج می‌نماید. بر همین اساس می‌توان گفت خشونت علیه زنان نیز به صورت متعارف فقط تداعی‌کننده خشونت فیزیکی و آشکار بوده که اشکال دیگری از قبیل خشونت روانی و کلامی، خشونت جنسی و خشونت اقتصادی را تا حد زیادی از قلم انداخته و دست‌آخر شناخت و پیشگیری ابعاد دیگر آن را که بنیادی‌تر نیز می‌باشند ناممکن می‌سازد. خشونت روانی و کلامی در قالب فحش‌دادن، تحقیرکردن، منزوی کردن، داد و فریاد زدن، تهدیدکردن، مجبورکردن، بی‌توجهی‌کردن، تجسس‌کردن، بدگمان‌بودن و ... خودپنداره‌ی (self-image) فرد مورد اعمال خشونت را در مورد توانایی و شایستگی خود مورد تعرض قرار داده و عزت و اعتماد بنفس او را تخریب می‌نماید. تقریباً همه‌ی انواع خشونت‌ها در کردستان بر علیه زنان بکارگرفته می‌شود. خشونت‌های ساختاری، نمادین و فیزیکی در ماتریسی بهم‌پیوسته در جامعه‌ی کردستان نمود یافته و پیامدهای آن بر به‌حاشیه‌رانی و طرد زنان از عرصه‌ی زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مشهود است. گستره و فراوانی این پدیده البته بر اساس شهر و روستا یا مناطق مرفه و یا فقیرنشین متفاوت است. در روستاها و مناطق حاشیه‌ای شهری که ساختارهای سنتی قدرت بیشتری

دارد و آموزش و شاخص‌های توسعه ضعیف‌تر می‌باشند خشونت‌های ساختاری و فیزیکی در قالب خشونت‌های ناموسی نمود بیشتری دارد. اما در مناطق دیگر بیشتر خشونت‌ها جنبه‌ی روانی، کلامی و گفتاری دارد و لذا به‌واسطه‌ی اینکه فضاهای مجازی عرصه‌ی مناسبی برای این‌گونه از پرخاشگری‌ها و خشونت‌ها می‌باشند بروز و ظهور آن‌ها را در این‌گونه فضاها شاهد هستیم. به‌طوری که زنان از تعرض به حوزه‌ی خصوصی‌شان در این گونه فضاها هراس داشته و این مسأله مشارکت و فعالیت مستقیم آن‌ها را در این حوزه‌ها کاهش داده است.

«رابطه‌ی خشونت و طلاق را در جامعه‌ی امروزی ایران و به خصوص کردستان چگونه می‌بینید؟»

فرهنگ خشونت مردانه که تاحد زیادی در قالب نظام خانواده‌ی پدرسالارانه به‌رسمیت شناخته شده است یکی از عوامل اصلی اختلاف‌های خانوادگی و در نهایت پدیده‌ی طلاق می‌باشد. به تعبیر فروید فردی که مورد پرخاشگری قرار می‌گیرد در صورتی که توانایی مقابله به مثل نداشته باشد جهت‌وسوی واکنش را، به پرخاشگری به سمت خود برمی‌گرداند؛ که نموده‌های این نوع خودتخریبی را می‌توان در خودکشی، اعتیاد، افسردگی، انزوا، انواع اختلال‌های رفتاری و روانی و درنهایت ازهم‌پاشیدگی نظام خانواده مشاهده نمود. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان نه تنها سلامتی و تعادل خود آن‌ها بلکه اساساً نظام سلامت اجتماعی را به خطر انداخته و آسیب جدی‌ای به نسل‌های آینده و انسجام اجتماعی وارد می‌نماید. زنان خشونت‌دیده و آزارچشیده در پرورش کودکان، فعالیت‌های اقتصادی و تحصیلی، مشارکت در امور اجتماعی و فرهنگی و تسلط بر انواع مهارت‌های زندگی دچار ضعف اساسی بوده و پیامدهای این معضل سطح وسیعی از روابط اجتماعی را مورد تأثیر قرار می‌دهد. اینکه آمار خودکشی زنان در مناطق کردنشین برخلاف الگوی خودکشی در ایران و جهان بیشتر از آمار خودکشی مردان است و اینکه زنان متأهل بیشتر از زنان مجرد در این مناطق خودکشی می‌نمایند واقعیت گویایی است که عمق فاجعه‌ی خشونت علیه زنان و پیامدهای آسیب‌زای آن را به صورت ضمنی بیان می‌کند. بدون شک رشد آمارهای طلاق در مناطق کردنشین نوعی مکانیزم دفاعی و یا راه برون‌رفت از آسیب‌های مورد اشاره می‌باشد که لزوماً هم به گریز یا پیشگیری از این آسیب‌ها هم نخواهد انجامید.

«برای مقابله با خشونت علیه زنان چه باید کرد؟»

بدون شک براساس عوامل مورد اشاره باید بتوان عوامل تهدید (risk factors) را از بین برد و عوامل حمایتی (protective factors) را افزایش داد. لذا بر این اساس راهکارها در سطح ساختاری، سازمانی و فردی مطرح است. در سطح ساختاری باید با تأکید بر توسعه‌ی انسانی از پیامدهای آسیب‌زای

رشد اقتصادی ناقص کاسته و به سیاست‌های توسعه‌ای انسان‌گرایانه روی آورد. هر نوع سیاست توسعه‌ای مبتنی بر نگاه تک‌بعدی به رشد و توسعه باعث افزایش فاصله‌ی طبقاتی، افزایش حاشیه‌نشینی، زنانه‌شدن پدیده‌ی فقر، افزایش نابرابری ناحیه‌ای در ایران و در نهایت بروز رفتارهای خشونت‌آمیز در این مناطق می‌شود. همچنین در سطح سیاسی و مدیریتی باید بستر مشارکت و حضور بیشتر زنان را فراهم نمود به‌طوری که بتوانند با نظارت بر حوزه‌های مختلف از پایمال شدن حقوق زنان جلوگیری نموده و حضور بیشتر زنان را در امور اجتماعی و سیاسی تقویت نمایند. در سطح سازمانی باید زنان به بتوانند در همه‌ی سطوح سازمانی و بویژه در سطوح مدیریتی بالا حضور داشته و همچنین از طریق گروه‌ها و انجمن‌های غیردولتی حضور و کارایی خود را نشان داده و پایگاه و پرستیژ بیشتری کسب نمایند. لازم است کتاب‌های درسی از سطح پیش‌دبستان تا دانشگاه طوری طراحی شوند که عاری از هرگونه نماد و کلیشه‌ی جنسیتی بوده و همچنین در زمینه حقوق و وظیفه‌ی افراد در قبال نابرابری‌های جنسیتی و خشونت جنسی آموزش‌های لازم بعمل آید. بدون شک توانمندی زنان در ابعاد اقتصادی، آموزشی، سیاسی و اجتماعی پیش‌نیاز مهمی برای مشارکت فعالانه‌ی زنان در امور اجتماعی و سیاسی و همچنین تلاش برای حل معضلات مرتبط با تبعیض‌های جنسیتی می‌باشد.

«در پایان چه راهکارهایی را برای معضله‌ی طلاق پیشنهاد می‌کنید؟»

علت طلاق تغییرات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نیست بلکه عدم سازگاری و هماهنگی متعادل با این تغییرات باعث افزایش پدیده‌ی طلاق و آسیب‌زاشدن آن می‌گردد. لذا دولت، جامعه‌ی مدنی و گروه‌های مختلف باید این تغییرات را درک نموده و برای نهادینه‌کردن آن‌ها ظرفیت‌های لازم را در جامعه بوجود بیاورند. نگاه شخصی‌گرایانه به طلاق و یا تحلیل آن براساس محکوم نمودن قربانی رویه‌ای عوامانه و غیرعلمی است که هیچ کمکی به حل مسأله نخواهد نمود. لذا باید واقعیت‌های جهان مدرن را پذیرفت و براساس ظرفیت‌های فرهنگی به تبادل و همگرایی فرهنگی در سطح ارزش‌های جهانی و حقوق بشری اقدام نمود. تمام اقشار ضعیف جامعه و به‌ویژه زنان و کودکان که تحت تبعیض ساختاری می‌باشند باید با برنامه‌هایی مدون و اساسی توانمند شده و سرمایه‌ی فرهنگی و اجتماعی آن‌ها را ارتقاء داد. مدل‌ها و الگوهای روابط دخترها و پسرها براساس ضرورت‌های موجود در حین همنوایی با ارزش‌های فرهنگی بایستی مورد بازاندیشی قرار گرفته و سیاست‌های سختگیرانه در این زمینه کاهش یابد. در نهایت لازم است توسعه‌ی انسانی در عین توجه به جنبه‌های دیگر توسعه در اولویت قرار گرفته و بخش آموزش، آزادی بیان و رسانه، نیازهای جوانان، اشتغال‌زایی و ... مورد توجه ویژه‌ای واقع شود.

فرهنگ خشونت مردانه که تاحد زیادی در قالب نظام خانوادگی پدرسالارانه به‌رسمیت شناخته شده است یکی از عوامل اصلی اختلاف‌های خانوادگی و در نهایت پدیده‌ی طلاق می‌باشد.

دانشجو از خدمات رفاهی که در دانشگاه فرهنگیان نیست!

* سید میثم سیداحمدی
دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

و نه واقعیت عینی دیگر چه فرقی می‌کند؟ شاید مثلاً مسئولین اینطور استدلال کرده‌اند که، در دانشکده‌ای که بخش اعظم دروس را نظریه‌های متفکران غربی تشکیل می‌دهد، یک بیف استراگانوفی هم بزنیم تنگ منوی غذا بد نباشد! حداقل پرستیژ که دارد ...

قریب به یقین اشکال از ذهن مقایسه‌گر ضعیف بنده است؛ اما نمی‌دانم چرا هرگاه به پایگاه تغذیه مراجعه می‌کنم و نام این غذای کذایی را چند باره می‌بینم، ناخودآگاه به یاد برخی اصول و مفاهیمی می‌افتم (مثل: اینترنت متوسط الحالی که با سرعتش موی دانشجوی را سفید نکند و با قطعی‌اش تن دانشجوی خوابگاهی را نلرزاند، ویدئو پروژکتورهایی که مدام سر کلاس‌ها ریشخندمان نکنند، تالارهایی که در زمستان مجبور نباشیم پتو پیچ شده در آن حاضر شویم، و قوانین و بخش‌نامه‌هایی (که شامل حال تمامی صنوف و تشکلات باشد) که تنها نام آن‌ها در دانشگاه وجود دارد؛ اما کی قرار است به چشم سر شاهد آن باشیم ... خدا می‌داند!

پرده‌ی دوم: امور وام‌های دانشجویی

راستش آدمی دردش می‌گیرد وقتی می‌بیند دانشگاه فرهنگیان در میان تمامی دانشگاه‌های سراسری کشور، کمترین میزان بودجه را به خود اختصاص داده، به همین جهت وام دانشجویی نصیب همه نمی‌شود و اگر در روزهای آغازین درخواست وام اقدام نشود، احتمالاً دانشجوی می‌ماند و صندوقی که خالی‌ست و بودجه‌ای که همیشه کم است. نوعی "سبک متروپیسیم" درهمی امور مشاهده می‌شود، از وام دانشجویی گرفته تا انتخاب واحد و دریافت کمد و ... نمی‌دانم رقابت برای بدست آوردن امکاناتی که بالطبع باید برای تمامی دانشجویان در نظر گرفته شده باشد، منطقی‌ست یا خیر! اما گویی گاهی قرار است تنها ویترونی از امکانات خوش‌رنگ و لعاب نشان داده شود و بعد همان استراتژی والدین ماب دوران کودکی‌مان. مطمئناً خرده‌ای بر مسئولین نیست، اشکال از ماست که هنوز دانشجویان خوبی نشده‌ایم!



در قدیم‌الایام، دوران طفولیت‌مان را عرض می‌کنم، که به لحاظ دوره‌ی تاریخی پیش از وایرلس نام‌گذاری می‌شود؛ یک جمله‌ی شرطی معروفی به این مضمون میان والدین بسیار مرسوم بود؛ اگر بچه‌ی خوبی باشی، ... را که دوست داری برایت می‌خرم. (لازم به ذکر است که امروزه نیز این جمله بسیار پرکاربرد و رایج است اما نحوه‌ی پر کردن جای خالی حدیث مفصلی‌ست که ... بگذریم!)

این جمله مطمئناً ضمانت اجرایی نداشت، اما استراتژیک‌ترین راه ممکن برای کنترل فرزندان در موقعیت‌های حساسی چون: مهمانی خانگی افراد رودربایسی‌دار بود! از سیاستمداری والدین که بگذریم، قالب دیگر این استراتژی را در موقعیت‌های دیگر نیز می‌توانیم مشاهده کنیم.



پرده‌ی اول: پایگاه تغذیه سایت دانشگاه

سامانه اینترنتی‌ای که وقتی برای رزرو غذای هفته‌ی بعد به آن مراجعه می‌کنیم؛ برای هر روز منویی با دو آپشن در اختیارمان می‌گذارد. از همه جالب‌تر، منوی روز سه‌شنبه است: کوبیده، "بیف استراگانوف" وقتی برای اولین بار نام این غذا را در منوی سلف دانشگاه دیدم اول کمی قرینیه‌ی چشمم گشاد شد و بعد آدرس بالای صفحه را دوباره چک کردم، و در آخر با اطمینان از صحت وقایع در حال وقوع؛ غذای آن روز را با خنده‌ای از ته دل رزرو نمودم. با فرارسیدن روز موعود، وقتی ظرف بدست رو به روی مسئول تقسیم غذا ایستادم؛ با یک لبخند بورژوازی گفتم: بیف استراگانوف لطفاً ... ! ایشان نیز پرسیدند: چی چی گانوف؟ و چند مرتبه‌ای نام این غذای اجنبی را تکرار کردم و تنها کلمه‌ای که بعد از چند ثانیه بهت از وی شنیدم این بود: نفر بعد!



از آن روز به بعد این مساله برایم تبدیل به یک علامت سوال شده، که کارکرد این نام در منوی غذا چیست؟ اصلاً چرا غذا با این اسم سخت؟ مثلاً چرا ته چین نه؟ اگر بنا به اسمی‌ست که تنها قرار است یک تصویر ذهنی باشد،

آموزش زبان کردی

(قسمت اول)

* ترگس مرادی
دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

الفبای زبان کردی دارای ۲۹ حرف صامت (بی ده نگ) و ۸ حرف مصوت (ده نگ دار) می باشد. که در ترکیب کلمات همدیگر را همراهی می کنند؛ اساساً حروف صامت بدون کمک مصوت قابل ادا نمی باشند و زنجیره وار در تشکیل کلمات از وجود هم بهره می جویند. لذا آشنایی با حروف بی صدا و صدادار پایه و ریشه ی یادگیری محسوب می شود.

الف. حروف صامت (بی ده نگ)

د	ب	پ	ت	ج	چ	ح	خ	د	ذ	ر	ڤ	ژ	س	ش
ع	غ	ف	ڤ	ق	ک	گ	ل	ڭ	م	ن	و	ه	ی	

در رسم الخط الفبای کردی چند حرف ویژه را می بینیم که در فارسی معادل آنها را نمی بینیم و عبارتند از:
(ڤ / ڭ / ڭ / ڭ)

۱. حرف (ڭ، همزه اول کلمات)

این حرف در زبان کردی در تلفظ و در خواندن مشهور بوده و در آغاز کلمات نوشته می شود. مانند:

ڭه زموون = آزمون ڭنسان = انسان

۲. حرف (ڤ) (قه له و = درشت)

چنانچه نوک زبان به ابتدای نرمکام چسبیده و در نهایت تلفظ زبان به پشت دندانهای فوقانی برسد، تلفظ این حرف میسر خواهد بود، درحالی که برای تلفظ حرف (ڤ) (لاواز = خفیف) می بایست نوک زبان را به پشت دو دندان وسط بالایی نزدیک کرد. چون در زبان کردی همه ی کلماتی که با حرف (ڤ) شروع می شوند (ڤ) درشت است، لذا به عنوان یک قاعده کلی هرگاه اول کلمه با (ڤ) شروع شده باشد منظور (ڤ) درشت بوده است. اما علامت () در آن برای حفظ زیبایی کلمه حذف شده است، ولی باید توجه داشت که هر دو گونه این حروف دارای هویت و شخصیت مستقل به خود می باشند. مثال:

(ڤ). (قه له و = درشت): (ڤوژ <==> روز)

(ڤ). (لاواز = خفیف): (ڤیرگه <==> مدرسه)

۳. حرف (ڤ)

این حرف جزء حروف صامت زبان کردی است و دارای تلفظی همچون حرف (ڤ) در زبان انگلیسی است که صدای مابین (و) و (ف) را دارد و برای تلفظ صحیح این حرف دندانهای بالایی بر روی لب پایین قرار گرفته و هوا از میان لب پایین و دندان جلویی بالا با ایجاد لرزش بیرون رانده می شود. مانند:

تافگه = آبشار گوڤار = نشریه، مجله

۴. حرف (ڭ)

در زبان کردی از دو حرف (ڭ) خفیف و (ڭ) درشت با کاربرد متفاوت استفاده می شود، که هرکدام دارای شخصیت مستقل در میان حروف می باشند.

(ڭ) خفیف در تلفظ و نوشتار معادل فارسی بوده ولی (ڭ) درشت در زبان فارسی وجود ندارد.

برای تلفظ صحیح (ڭ) درشت می بایست نوک زبان را به عقب برگردانده و مستقیماً به سقف دهان چسبیده و هوا را از طرفین زبان بیرون راند که تلفظ این حرف همانند صدای (L) در زبان انگلیسی می باشد مانند:

[ڭ) قه له و = درشت] <==> ڭل = دل ڭوڭ = گل

[ڭ) لاواز = خفیف] <==> له یلا = لیلا لیڭوڭینه وه = تحقیق

حرف (ڭ) درشت در ابتدای کلمات استعمال ندارد و حرف (ڭ) در اول کلمات کردی همیشه خفیف است.

ب. حروف مصوت (ده نگدار)

ا / ه / و / او / ۆ / ی / ئ / بزرۆکه

مقایسه حروف الفبای کردی و فارسی

الف) مقایسه حروف صامت:

کردی	د	ب	پ	ت	ج	چ	ح	خ	د	ڤ	ژ	س	ش	ع	غ
فارسی	-	ب	پ	ت، ط	ج	چ	ح	خ	د	ڤ	ذ، ز، ض، ظ	ث، س، ص	ش	ع	غ

کردی	د	ب	پ	ت	ج	چ	ح	خ	د	ڤ	ژ	س	ش	ع	ی
فارسی	د	ب	پ	-	ق	ک	گ	ل	ڭ	-	ن	و	ه	ی	ی

ب) مقایسه حروف صدا دار:

کردی	ا	ه	و	وو	ۆ	ی	ئ	بزرۆکه
فارسی	ا	-	-	و	-	ی	-	-

چگونه در زندگی مان یک برند موفق باشیم؟

* شراره صادقی
دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

زندگی، در مورد شما احساس کنند. به بیان دیگر جایگاه‌سازی برند، بیان‌کننده این نیست که شما دقیقاً چه کسی هستید، بلکه بیان و تفسیری از تصویر شما در ذهن «مخاطبان» شماست.

با این توضیحات روشن است که در برندسازی شخصی، شما باید خودتان را به دیگران معرفی کنید و اینکه چگونه از سوی دیگران درک شوید، بستگی به اهداف شما و طیف مخاطبان برند شما دارد. به‌طور مثال آیا مخاطبان برند شما خانم‌های خانه‌دار هستند، یا مردان بازنشسته؟ مخاطبان شما در کدام رده تحصیلی و اجتماعی قرار داشته و از برند شما چه توقعی دارند؟ این سوالات و هزاران سوال جزئی و کلی دیگر می‌تواند روی برنامه‌ریزی شما برای جذب مخاطبان و معرفی برندتان تاثیر زیادی داشته باشد؛ پس همان‌طور که شناخت شما از خود و برندتان مهم است، شناخت درست و دقیق‌تان از مخاطبان هم اهمیت ویژه دارد چون قطعاً با همان شیوه که می‌شود به سادگی، یک جوان ۱۹ ساله را جذب کرد نمی‌شود روی مخاطب میانسال اثرگذار بود.

استراتژی و سایر مخلفات

بعد از گذر از مراحل خودشناسی، مخاطب‌شناسی و تعیین اهداف، حالا باید برای رسیدن به هدف‌تان نقشه دقیقی داشته و مطابق یک زمان‌بندی واقع‌بینانه قدم به قدم به هدف نزدیک شوید. ناگفته پیداست هر برندی اندیشه یا محصولی را عرضه می‌کند؛ بنابراین باید به تولید محتوا دست بزنید و بعد به نحوه انتشار گسترده این محتوا فکر کنید؛ محتوایی که باید خلاقانه، خاص و ارزشمند بوده و باید به لحاظ سر و شکل ظاهری و نوع ارائه هم با اهداف‌تان همسو باشد.

برای مثال، شما نمی‌توانید درحالی که برندی در حمایت از محیط زیست هستید پیام‌های‌تان را روی لوح‌های چوبی ارائه دهید! شاید این نوع ارائه چشمگیر باشد اما با اهداف شما در یک راستا نیست؛ پس در مرحله طراحی استراتژی با دقت بر هدف و نوع مخاطبان، شبکه ارتباطات و آنچه برای توسعه و تبلیغ ایده‌تان در دسترس دارید، باید نقشه درستی کشیده و زمان‌بندی هم داشته باشید.

ولی افتاد مشکل‌ها ...

درست از همان روزی که تصمیم گرفتید برند شخصی داشته باشید باید بدانید تمام

کسب و کار، غیرقابل انکار است. حالا خبر خوب این است که برند تنها در انحصار محصولات و سازمان‌ها نیست و اشخاص نیز می‌توانند برندی شخصی برای خود داشته باشند و از مزایایش استفاده کنند؛ ضمن اینکه بدون هیچ شکی برندسازی روی اعتبار و خوشنامی افراد تاثیر بسزایی دارد که نتیجه این پروسه در نهایت شهرت درآمدزایی است.

از کجا شروع کنیم؟

اولین قدم برای شروع برندسازی این است که نسبت به خودتان شناخت کافی داشته باشید؛ یعنی بدانید ضعف‌ها و توانایی‌ها، مهارت‌ها و ناتوانی‌های شما دقیقاً شامل چه چیزهایی است. باید بدانید کجای زندگی ایستاده‌اید و



دوست دارید کجا باشید و از همه مهم‌تر اینکه هدف‌تان از برندسازی چیست؟ در همان ابتدا تکلیف‌تان را با خودتان مشخص کنید. دانش‌ها و مهارت‌های‌تان را بنویسید و از خود بپرسید در کدام‌شان می‌توانم بهترین باشم و خلاقانه و متمایز حرکت کنم؟

تصور کنید که مردم از من دارند چه بوده و حالا تصویری که دوست دارم از من و برندهم داشته باشند، چیست؟ ارزش‌ها و ضدارزش‌هایم چه چیزهایی هستند؟ با پرسیدن این سوالات از خودتان روی خودشناسی و ارزیابی و شناخت عملکردتان به‌طور دقیق‌تر تمرکز می‌کنید و اهداف‌تان هم به‌تدریج به صورت کلی مشخص می‌شوند، در مراحل بعد هم با توجه به هدف‌گذاری‌های صورت گرفته، استراتژی شما برای رسیدن به هدف شکل خواهد گرفت.

شناخت مخاطب مهم است

دکتر دهقان در مورد اهمیت مخاطبان یک برند می‌گوید: «جایگاه‌سازی و تثبیت برند در واقع تصویری است که شما در ذهن یا حتی قلب مخاطب در مورد خود خلق می‌کنید. برند شخصی، دقیقاً همان چیزی است که می‌خواهید دیگران، یک رئیس، همکار، دوست، مشتریان و مخاطبان احتمالی یا حتی شریک

در دنیای امروز از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین محصولات صنعتی یا فرهنگی برای موفق شدن در بازار رقابت تنگاتنگ موجود، باید بتوانند به عنوان یک «برند» خودشان را معرفی و ثابت کنند؛ در بسیاری از مواقع بخش زیادی از سرمایه‌ی خریداران یا متقاضیان یک محصول، تنها صرف خریدن یک نام خاص می‌شود تا کیفیت واقعی اجناس!

با این مقدمه ما در این مطلب می‌خواهیم مژده بدهیم که هرکسی باشید، با هر اندازه‌ای از دانش و مهارت، می‌توانید برند شخصی خودتان را داشته باشید؛ یک خانم خانه‌دار با برندی اختصاصی در آشپزی و یک آقای دیگر با برندی خاص و چشمگیر در بیمه یا پزشکی! این بازی جذاب و جدی، بسته به تخیل و خلاقیت شما، می‌تواند تا هزاران مورد متنوع و متفاوت ادامه داشته باشد. هیچ محدودیتی وجود ندارد تنها کافی است بخواهید و برند شدن برای‌تان دغدغه باشد، برند شدن ممکن می‌شود. دکتر دهقان، نویسنده و مدرس مهارت‌های زندگی، به شما می‌گوید چطور برند شخصی خودتان را بسازید.

برند شخصی یک ترکیب جادویی

شاید جالب باشد بدانید یک برند شخصی را ترکیبی از عوامل درونی و فردی مثل نظام فکری، ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهداف سازنده آن برند همراه نموده‌های بیرونی مثل چهره، زبان بدن و شبکه ارتباطات شخص یا افرادی که در آن فعال هستند، شکل می‌دهند. «برند» شامل همه احساسات، ویژگی‌ها و مفاهیمی است که به یک نام گره خورده، و در واقع برداشت افراد از یک نام معتبر است؛ یعنی مخاطبان با دیدن، شنیدن یا هرگونه ارتباطی با یک برند خاص، صفات و ویژگی‌های آن برند در ذهن و قلب‌شان تداعی می‌شود؛ بنابراین برند شخصی شما نشان می‌دهد شما چه کسی هستید؟ چه کار می‌کنید، و چه چیز متفاوت و متمایزی در شما وجود دارد؟

برند شخصی به چه دردی می‌خورد؟

دکتر دهقان در مورد اهمیت برندسازی می‌گوید: «انسان‌ها همواره از بدو پیدایش، درصدد بوده‌اند تا به کمک نمادها و دیگر عوامل، نشانه و اثری از خود را بر پیشانی تاریخ ثبت کنند. امروزه برندها، نمودی از هویت محصولات و حتی انسان‌ها به شمار می‌روند و اهمیت برند در شکل‌گیری ارتباطات و جریان‌های مرتبط با

جایگاه‌سازی
برند،
بیان‌کننده
این نیست
که شما
دقیقاً
چه کسی
هستید،
بلکه بیان
و تفسیری
از تصویر
شما در ذهن
«مخاطبان»
شماست.

با کودک خجالتی چطور رفتار کنیم؟

✱ **شهاب نصیری نیا**
دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

شخصیت انسان در دوران کودکی از طریق بازی و تعامل و رابطه اجتماعی با همسالان و همبازی‌ها و دوستانش شکل می‌گیرد و طی این تعامل، خودش و عواطفش را می‌شناسد و الگوهای روابط بین فردی را می‌آموزد. به حالت نسبتاً پایداری که کودک بیشتر اوقات به تنهایی بازی کند و در جمع همبازی‌ها و همسالان شرکت نکند، گوشه‌گیری گفته می‌شود.

کمرپی و گوشه‌گیری کودکان به این شکل‌ها بروز می‌کند:

✱ **بی‌میلی اجتماعی:** کودک اشتیاقی برای بازی با همسالان خود (آشنا و ناآشنا) ندارد و زمانی که با کودکان است، ترجیح می‌دهد به تنهایی بازی کند و شیء‌گراست تا مردم‌گرا، و نکته مهم این است که در این حالت از تعامل با همسالان ترس ندارد و در صورت اجبار، وارد فعالیت گروهی می‌شود و بخوبی با دیگران تعامل می‌کند.

✱ **ناظر و تماشاچی:** کودک تمایل دارد با کودکان و همسالان خود بازی کند ولی به دلیل اضطراب اجتماعی، از نزدیک شدن به کودکان اجتناب می‌کند و گوشه‌ای می‌ایستد و فقط نظاره‌گر بازی کودکان می‌شود.

✱ **انزوای اجتماعی:** کودک نه تنها تمایل به تنها بازی کردن ندارد بلکه از بازی کردن با دیگران نیز گریزان است و رفتارهای او از لحاظ بالینی، با خجالت شروع و با خشم و گاهی افسردگی همراه می‌شود. برای درمان ابتدا باید مشخص شود، علت کمرپی کودک و نوع آن کدام است. علاوه بر آن، از روش‌های رفتاردرمانی برای شکل‌دهی کودک استفاده می‌شود.

توجه به این نکات در روند درمان ضروری است و مراقبان و والدین باید این نکات را در نظر بگیرند:

- از واژه‌های تمسخرآمیز مانند ترسو، خجالتی، دست و پاچلفتی و بی‌عرضه استفاده نکنید.

- از سرزنش کودک به دلیل بازی نکردن با همسالان بپرهیزید.

- او را با دیگران مقایسه نکنید و اجتماعی بودن اطرافیانش را به رخ او نکشید.

- در کودک احساس امنیت ایجاد کنید و از دیگران او را نترسانید.

- به کودک برجسب خجالتی بودن زنید و اگر سوم شخصی در یک جمع از شما پرسید، آیا کودکتان خجالتی است، بلافاصله پاسخ دهید: خیر، کمی زمان نیاز دارد تا به موقعیت جدید عادت کند.

- به کودک مسئولیت‌های کوچک بدهید و اعتماد به نفس او را تقویت کنید.

- رفتار مثبت و واقعی در کودک پیدا کنید و آنها را برجسته کنید و تشویقش کنید.

- در هفته دوبار کودک را به محل بازی کودکان ببرید.

- فرزندان را همان طور که هست، بپذیرید و توقع و انتظار بی‌مورد و بیش از حد نداشته باشید.

- درباره تجربیات خوب فرزندان با همبازی‌هایش صحبت کنید.

- متناسب با سن و توانایی فرزندان یکی دو هنر و تردستی به او بیاموزید (نظیر بازی با طناب یا حلقه پلاستیکی). این کار به کودک کمک می‌کند برای نشان دادن خودش به همسالانش فرصت داشته باشد.

- داستان‌های مفهومی و مشارکتی برای کودک بخوانید.

- بازی‌های دسته‌جمعی که در آنها بزرگسالان با کودکان مشارکت می‌کنند انجام دهید.

گفتار، رفتار، پوشش و در کل تصویر بیرونی شما در فضای حقیقی و مجازی باید به دقت در راستای تقویت اهداف‌تان بازنگری شده و در صورت لزوم اصلاح شود، چون وقتی قرار است دیده شوید، اگر کلام و تصویر شما خوشایند یا در راستای شعارها و اهداف‌تان نباشد، خودتان اولین ضربه مهلک را به برند خودتان زده‌اید؛ بنابراین بخشی از استراتژی شما برای رسیدن به هدف، مربوط به مدیریت ظاهری و نوع برقراری رابطه شما با دیگران است. عادات و رفتارهای غلط خودتان را اصلاح کنید و روی تاثیر و عواقب هر حرکت واقعی یا مجازی روی برندتان دقیق باشید.

مردم بسیار باهوش هستند؛ بنابراین قبل از اینکه در مرکز دیدشان قرار بگیرید خودتان را اصلاح کرده و بدانید تصویر بیرونی و درونی شما باید در یک راستا باشد و در صورت تناقض داشتن، دیر یا زود شکست می‌خورید؛ یعنی اگر عاشق پول هستید نمی‌توانید برندی برای ترویج ساده‌زیستی داشته باشید و اگر ساده‌زیست هستید ساختن برند لاکچری، کار شما نیست!

ایده را در زر ورق بپیچید...

فراموش نکنید برند شدن، یعنی دیده شدن و برای دیده شدن باید «دیدنی» باشید. مردم دوست دارند هر روز با یک پدیده تازه مواجه باشند و این هنر شماست که دائم به روز شوید و به ورطه تکرار نیفتید؛ ضمن اینکه دانش، ایده یا به‌طور کلی محتوایی که ارائه می‌کنید باید همیشه در زوروق خلاقیت و نوآوری بپیچید تا به چشم بیایید و بدرخشید. خلاق باشید و بدانید برای برند شدن داشتن خلاقیت، شرط بسیار مهم و کارسازی است.

دست‌اندازها کجاست؟

هرقدر جایگاه، موقعیت و اهداف شما بزرگ‌تر باشد، دشمنان‌تان هم بزرگ‌تر خواهند بود؛ پس اعتماد به نفس و عزت نفس کافی داشته باشید تا در اثر مخالفت‌ها سست نشوید؛ ضمن اینکه باید بدانید پروسه‌ی برندسازی با رمل و اسطرلاب و درجا پیش نمی‌رود، بلکه یک روند زمان‌بر و حتی هزینه‌بر است. باید صبور و مقید به برنامه‌ریزی‌هایتان باشید و با گام‌های کوچک به سوی موفقیت قدم بردارید. مساله این است که در هر حرفه و زمینه‌ای، افراد زیادی فعال هستند؛ اینکه بین آن همه، شما شاخص باشید، نیازمند تلاش مستمر و خستگی‌ناپذیر است.

باید به بهترین نماینده از رشته‌ای که در آن برند هستید، تبدیل شوید؛ بنابراین باید در زمینه تقویت مهارت‌ها و توسعه دانش خودتان به طور مداوم فعال باشید. دقت به رقیب‌ها و برنده‌های مشابه برند شما هم بخش مهمی از گام‌های همیشگی برای برندسازی موفق است. شما می‌توانید از رقبایان الگو گرفته و از کوجه‌های میانبر به جاده اصلی برسید؛ البته بی‌تردید برای اینکه از رقبا موفق‌تر باشید، باید چیزی بیشتر از آنها برای ارائه داشته باشید.

روابط قوی یا سرمایه زیاد؟

اگر بخواهیم کلید قفل برندسازی را در یک کلام معرفی کنیم باید بگوییم شاه‌کلید قفل برند، ایجاد ارتباط با دیگران یا به عبارت بهتر شبکه‌سازی ارتباطات برای معرفی و جذب دیگران به برند تازه‌کار است؛ پس سعی کنید به طور مداوم ارتباطات جدید ایجاد کنید و همواره در پی توسعه آن باشید. به مراکزی که می‌توانند به شما برای رسیدن به اهداف‌تان کمک کنند، فکر کنید، و مجموعه‌ای از کانال‌های ارتباطی با مردم را در فضای واقعی و مجازی در کنار خود داشته باشید. خیلی وقت‌ها نیاز به صرف هزینه‌ی زیادی نیست، تنها کافی است ارتباطات درستی داشته باشید؛ آن وقت افرادی پیدا می‌شوند که داوطلبانه و رایگان به کمک‌تان بیایند.

حالا بدرخشید

همان‌طور که گفتیم به منظور نشان دادن تخصص، مهارت یا تفکر خود باید «تولید محتوا» در هسته فعالیت‌های برندسازی شما قرار گیرد؛ بنابراین از ابراز دیدگاه‌های خود نترسید و بر اشتراک‌گذاری دانش خود تمرکز کنید. از انواع رسانه‌ها مانند وب‌سایت، پادکست، کتاب الکترونیکی و چاپی برای تولید محتوای خود استفاده کنید.

گاهی ارائه یک عکس باکیفیت و مناسب، به ایجاد اعتبار و اعتماد کمک بزرگی می‌کند؛ پس از گرافیک و تاثیر شگفت‌انگیزش غافل نشده و تا جای ممکن محتوایان را خوش‌آب و رنگ ارائه کنید؛ ضمن اینکه، باید بدانید در جهان امروز، تبلیغات رسانه‌ای نقش مهمی را ایفا می‌کنند پس از هر فرصت و بستری برای تبلیغ ایده‌ها و محتوای خود استفاده کنید. داشتن سایت، وبلاگ و حضوری هوشمند و فعال در اینستاگرام، تلگرام و وایبر، امکان تبلیغات کم‌هزینه‌ای را برای‌تان فراهم می‌کند که تاثیرات گران‌قیمت و مغتنمی دارند؛ پس همین امروز شروع کنید، راستی برند شخصی شما چیست؟

نخستین جشنواره هنرهای تجسمی دانشگاه فرهنگیان

The 1st Festival of Visual Arts



نقاشی

طراحی

کاریکاتور

تصویرسازی

عکاسی

طراحی پوستر

خوشنویسی

خط تحریری

مقررات و شرایط ثبت نام

- * هر متقاضی می تواند حداکثر ۳ اثر خود را فقط در دو رشته از رشته های یادشده جشنواره از طریق پست الکترونیکی جشنواره ارسال نماید.
- * همراه با آثار ارسالی: نام و نام خانوادگی، شهر، رشته تحصیلی، شماره دانشجویی، دانشگاه محل تحصیل و شماره تماس خود را ارسال نمایید.
- * اختتامیه جشنواره در اسفندماه برگزار می شود.

مهلت ارسال آثار

۳۰ بهمن ۱۳۹۵

سامانه پیامکی

۵۰۰۵۴۱۰۳۵

پست الکترونیکی

sdjd.festival@gmail.com

کانال تلگرام

@raspiermag

جوایز

- * به نفرات برتر هر رشته لوح تقدیر و هدایایی اهدا خواهد شد.
- * دانشجومعلمان برتر هر رشته برای شرکت در بیست و هفتمین جشنواره علمی، ادبی، هنری دانشجومعلمان کشور در اولویت انتخاب هستند.
- * به کلیه شرکت کنندگان در جشنواره گواهی شرکت در جشنواره اهدا خواهد شد.

موضوعات پیشنهادی:

- * دانشجو، وندالیسم و آسیب های اجتماعی
- * دانشجو، سوء مصرف مواد مخدر و روانگردان ها
- * دانشجو، آسیب های اجتماعی و روابط نامتعارف
- * دانشجو، مشکلات عاطفی و آسیب های اجتماعی
- * دانشجو، مسئولیت پذیری و آسیب های اجتماعی
- * دانشجو، هویت دانشجویی و آسیب های اجتماعی
- * دانشجو، زندگی خوابگاهی و آسیب های اجتماعی
- * دانشجو، رسانه، شبکه های اجتماعی و آسیب های اجتماعی
- * دانشجو، روایت تجربه زندگی دانشجویی و آسیب های اجتماعی



اداره کل بهزیستی
استان کردستان



شورای هماهنگی
مبارزه با مواد مخدر
استان کردستان



استان کردستان



استان کردستان



صدای سبک کردستان



آذینگاه هنرهای تجسمی



سومین گردهمایی رویش دبیران انجمن‌های علمی

✱ شهاب نصیری نیا
دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی

مرحله اول و دوم گردهمایی طرح رویش در تهران و کرج برگزار شد و امسال برای سومین بار استان کردستان میزبانی این طرح را بر عهده داشت.

هدف از انتخاب کردستان به عنوان سومین میزبان گردهمایی رویش، معرفی این استان به دانشجویان استان‌های دیگر بود و با توجه به اینکه استان کردستان یک استان فرهنگی و مهد فرهنگ و هنر است و تجربیات گذشته نیز نشان داده است که هرگاه از سراسر کشور دانشجویانی به کردستان آمده‌اند با خاطرات خوشی استان را ترک کرده‌اند کردستان به عنوان سومین میزبان این گردهمایی انتخاب شد.

در جریان برگزاری این گردهمایی کشوری قریب ۱۴۵ کارگاه برای دانشجویان، ۲۰ الی ۲۵ کارگاه برای مدرسین شرکت‌کننده در دوره تشکیل گردید.

بخش دیگر از برنامه‌های سومین گردهمایی رویش به منظور رضایت‌مندی مهمانان گرامی مسابقات ورزشی بود که در دو بخش دارت و تنیس روی میز برگزار شد. این دو بخش مجزا برای دانشجویان و سرپرستان محترم تدارک دیده شد. که بعد از این رقابت سالم بین استان‌های مختلف نفرت برتر تعیین و اعلام گردید.

در پایان این مراسم نیز از دانشجویان حاضر در این گردهمایی که در مسابقات فرهنگی و ورزشی موفق به کسب رتبه شده بودند تقدیر به عمل آمد.

سومین گردهمایی رویش با حضور دبیران انجمن‌های علمی دانشگاه‌های فرهنگیان ۳۱ استان کشور از ۱۳ الی ۱۹ شهریور به میزبانی دانشگاه فرهنگیان کردستان برگزار شد.

این گردهمایی ویژه دبیران انجمن‌های علمی و مدرسان علوم اجتماعی مرتبط با این انجمن‌ها بود که به میزبانی استان کردستان انجام شد. هدف از برگزاری این گردهمایی، تبادل اندیشه و تجربه بین تشکلهای دانشجویی و فراگیری و آشنایی دانشجویان با آیین‌نامه، دستورالعمل‌ها و اساسنامه‌های تشکلهای دانشجویی و کسب مهارت‌های علمی و فرهنگی عنوان کرد.

این گردهمایی در دو مرحله دختران و پسران برگزار شد که از ۱۳ الی ۱۵ شهریور ۲۵۰ دانشجویان پسر و از ۱۷ الی ۱۹ شهریور حدود ۲۱۰ دانشجویان دختر به همراه اساتید خود طی سه روز آموزش‌ها و مهارت‌های مختلفی را فرا گرفتند.

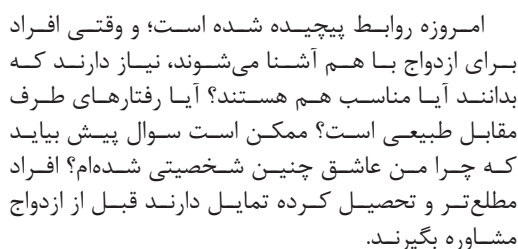
در این گردهمایی دوره‌های آموزشی شامل کلاس مقاله نویسی، اقدام پژوهشی، جامعه پذیری علمی، مدیریت گروه‌های کوچک، معرفی انجمن‌های علمی و برنامه‌ریزی فرهنگی برای گروه‌های مختلف برگزار شد و از اساتید مختلف متخصص در این حوزه‌ها از دانشگاه‌های مختلف کشور دعوت شد که در این دوره‌ها حضور داشته باشند.

در این دوره دبیران انجمن‌های علمی ضمن اینکه آموزش‌های لازم را در بعد علمی دیدند، در بعد فرهنگی و اجتماعی نیز به تبادل تجربه و ارتقا تجربیات خود پرداختند.

علاوه بر برگزاری کلاس‌های آموزشی، نمایشگاه دستاوردهای علمی دانشجویی دانشجویان برگزار شد که در این نمایشگاه برای هر کدام از ۳۱ استان شرکت کننده در دوره یک غرفه داده شد تا دانشجویان هر استان آخرین دستاوردهای علمی، پژوهشی و فرهنگی خود را در آن به معرض نمایش بگذارند.

کند
دانشگاه فرهنگیان
سومین گردهمایی
دبیران انجمن‌های علمی و اجتماعی
کند

عشق ویرانگر



کتاب «عشق ویرانگر» در سال ۲۰۰۷ توسط پروفیسور براد جانسون (ایشان در دانشگاه جان هاپکینز مدرس نمونه بودند و در انستیتوهای معتبر آمریکا تدریس می‌کنند) و دکتر کلی موری نوشته شد. کتاب توسط زهرا حسین زاده و الهام شفیعی

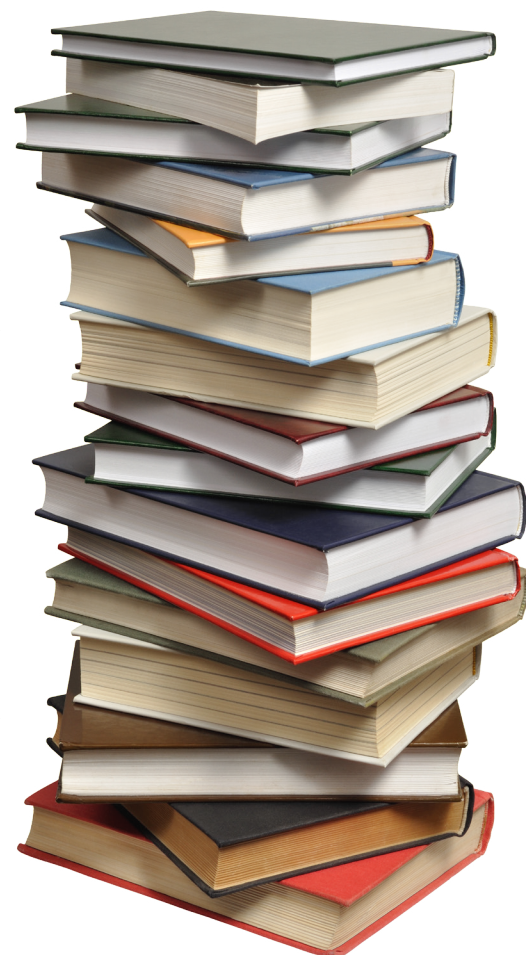
ترجمه شده است. متخصصین علوم روان با انواع اختلالات شخصیتی آشنا هستند. در کتاب‌های مرجع روانشناسی و روانپزشکی اختلالات شخصیت در چند دسته مورد بررسی قرار می‌گیرند، ولی نکته‌ی قابل توجه و فوق‌العاده‌ی این کتاب بیان انواع اختلالات شخصیتی، با زبانی داستانی و مثال‌های هیجان‌انگیز است. قبل از آغاز بخش اول، مولفان در سه فصل به توضیح این می‌پردازند که عشق ویرانگر چیست؟ سپس افراد را با انواع اختلالات شخصیت آشنا می‌کنند و اینکه چرا جذب این افراد می‌شوند؟

در بخش یک ما اختلالات شخصیت گروه (الف) را می‌خوانیم ولی نه با زبان روانشناسی و زبان تخصصی، بلکه با مثال و داستان وارد فضایی می‌شویم که گاهی می‌گوییم معشوق من هم این‌گونه است. در این بخش ما با معشوق شکاک، عجیب و غریب و منزوی آشنا می‌شویم. در هر فصل به چند سوال پاسخ داده می‌شود. اینکه مثلاً علایم شخصیت شکاک چیست؟ سپس داستان یک همسر شکاک گفته می‌شود. پس از آن گفته می‌شود که چرا این نوع شخصیت در ما یا هر فردی ایجاد می‌شود؟ توضیح می‌دهد که چگونه فردی شکاک می‌شود.

در بخش دوم، ما با انواع شخصیت گروه (ب) آشنا می‌شویم. شریک زندگی خطرناک، طوفانی، نمایشی، خودشیفته و محبوبی که باعث تحلیل و فرسایش ما می‌شود.

در بخش سوم درباره‌ی شخصیت‌های گروه (ج) حرف زده می‌شود. در این گروه شریک یا محبوب‌های مضطرب، کناره‌گیر و نیازمند به ما، مورد بحث قرار می‌گیرند.

در بخش چهارم و در قالب فصل شانزدهم، به یک سوال پرداخته می‌شود. «اگر با فرد دچار اختلال شخصیتی ازدواج کرده‌ام چه کاری می‌توانم بکنم؟» در این فصل توصیه‌های نهایی به شما داده می‌شود.





مهرسا

